



انترناسیونال ۴۴۴

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۶ اسفند، ۱۶ مارس ۲۰۱۲

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه



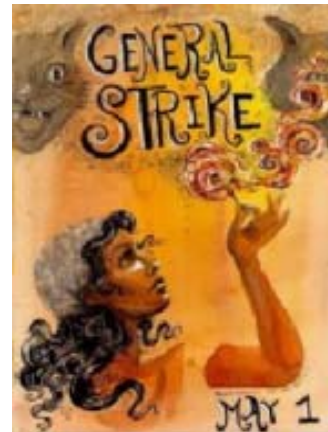
صفحه ۷

پیام تبریک حمید تقوایی به مناسبت نوروز

فرارسیدن سال نو را به همه مردم آزاده ایران تبریک می‌گوییم.

بحران جهانی سرمایه داری و تشدید فقر و بیکاری و تحمیل ریاضت کشی اقتصادی به مردم در همه کشورها اکثریت عظیمی از

سالی را که پشت سر در غرب، و سال اوجگیری می‌گذاریم سال تداوم انقلابات مبارزات کارگری و انزوا و منطقه، سال سر بلند کردن استیصال هر چه بیشتر جمهوری جنبش اشغال علیه یک درصدیها اسلامی در ایران بود.



اول مه، جهان در تصرف ۹۹ درصدی‌ها!

مصطفی صابر

"جنبش اشغال" در آمریکا مردم سراسر جهان را فراخوانده که در روز جهانی کارگر (اول مه ماه، ۱۱ اردیبهشت) کار را تعطیل کنند و به خیابان بیایند و خواست های خود را در مقابل یک درصدی ها مطرح کنند. این حرکت مورد استقبال زیادی قرار گرفته و اکنون که به اول مه نزدیک میشویم این حمایت گسترده تر میشود و جنب و جوش برای برپایی یک نمایش و اعتصاب جهانی بالا میگیرد. تعطیل کار و به خیابان آمدن و خواست های خود را در شکل قطعنامه های رادیکال طرح کردن برای جنبش کارگری در ایران همواره عمل اصلی اول مه بوده است. آخرین نمونه برجسته از این دست، اول مه سال ۲۰۰۹ (۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۸۸) بود که کارگران در پارک لاله اجتماع کردند و بلافاصله مورد هجوم گسترده اوباش جمهوری اسلامی قرار گرفتند و بسیاری هم دستگیر شدند. با اینهمه اول مه ۸۸ تاثیر بسزایی گذاشت و بنوعی خبر از تظاهرات میلیونی مردم در خرداد ۸۸ و شروع انقلاب علیه جمهوری اسلامی میداد. امسال با توجه به اوضاع جهانی، یعنی انقلابات گسترده در خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین جنبش ۹۹ درصدی ها در آمریکا و اروپا و موج

صفحه ۶

لودگی در درون مجلس اسلامی، چماق کشی در بیرون

شده بود و حتی منتقدین آتشین مزاج رئیس جمهور مانند علی مطهری و طراح اصلی این سوال ها، دیگر از آن حرفی نمی زدند. اما مثل اینکه این خود احمدی نژاد بود که سوال از احمدی نژاد تقریبا فراموش

صفحه ۸

"حزب و قدرت سیاسی"

بر متن انقلابات منطقه و جنبش اشغال

حمید تقوایی
اگر بخواهم خیلی خلاصه بگویم که کنگره هشتم چه در دستور کار ما میگذارد باید بر مساله دولت و نظریه "حزب و قدرت سیاسی" تاکید کنم. ممکن است بگوئید این برای حزب ما بحث تازه ای نیست. بله از لحاظ نظری و موضعگیری سیاسی و از

صفحه ۲

چهارشنبه سوری با شعار مرگ بر دیکتاتور

گفتگو با کیان آذر دبیر سازمان جوانان کمونیست، صفحه ۱۴



گزارشاتی از چهارشنبه سوری در چند شهر مختلف

تظاهرات و شعار مرگ بر دیکتاتور توسط جوانان

صفحه ۱۳

اعلامیه حزب کمونیست کارگری درمورد حداقل

دستمزد سال ۹۱

کارگران دستمزدهای خط بردگی را

نخواهند پذیرفت

صفحه ۹

۳۰۰۰ کارگر کشت و صنعت شوستر با وعده های

مسئولین به اعتصاب پایان دادند

طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، ۳۰۰۰ کارگر نی بر کشت و صنعت کارون شوستر که از روز یکشنبه ۲۱ اسفند دست به اعتصاب زده بودند پس از دو روز اعتصاب و با وعده هایی که به

صفحه ۱۰

صفحات دیگر

انقلاب مردم سوریه یکساله شد!

محمد شکوهی، صفحه ۱۱

تحریمها و دزدی ها

مهران محبی از ایران، صفحه ۷

۳۳ سال جنایت علیه کودکان

مهراب دشتی، از ایران، صفحه ۹

فرزاد احمدی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران

در شهر سنج در دستگیر شد

صفحه ۱۰

بازتاب هفته

پایانی بر یک ادعای دروغین

منصور ترکاشوند، از ایران

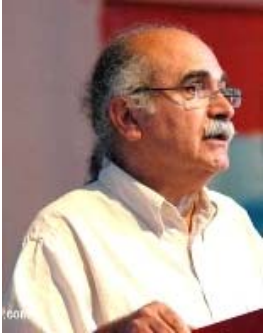
"مجانین" و مردم افغانستان

بهرروز مهرآبادی

خرابی از فرستنده است نه از گیرنده!

یاشار سهنندی، از ایران

صفحات ۵-۴



را در برابر نیروهای راست قرار داد که هر نوع دولتی که از بالا می‌خواهد سر هم کند با همه انتخابات و قانون اساسی و پارلمان و دموکراسی و حقوق بشر و غیره اش بالاخره با اقتصاد چه می‌کنند؟ نظراتان در مورد ریاضت کشی اقتصادی و وضعیت یونان و جنبش اشغال وال استریت و غیره چیست؟ شما می‌خواهید اقتصاد ایران را وارد بازار جهانی بکنید، خوب فوچش میشود وضعیت یونان امروز که در مرز ورشکستگی است و یا حتی اروپای واحد امروز که دارد از هم می‌پاشد. تمام سرمایه داری جهانی راه نجات خودش را در تحمیل هر چه بیشتر فقر و بی‌حقوقی و بی‌تامینی اقتصادی می‌بیند. آیا اینست آینده ای که برای ایران در نظر دارید؟

راه احتراز از این آینده و راه تسلیم نشدن به آینده ریاضت کشی اقتصادی و اینکه ایران فردا باز با شورش گرسنگان روبرو نباشد اینست که کل سیستم سرمایه داری را کنار بگذاریم. راهش اینست که دولت مافوق مردم را از سر راه برداریم. قدرت باید در دست توده مردم باشد و قدرت که در دست مردم باشد آنوقت از نظر اقتصادی و از نظر اجتماعی و از نظر سیاسی برنامه یک دنیای بهتر را میتوان بند به بند پیاده و متحقق کرد. آنوقت نه تنها مساله بمب اتمی و خطر مسلح شدن جمهوری اسلامی به سلاح هسته ای بلکه کلا خطر جنگ را از منطقه حذف میکنیم. با حاکمیت مستقیم مردم خطر جنگ در کل جهان از بین میرود. لشکرکشیها تمام میشود، ارتشها بی معنی میشود، چون مردم دنیا با هم جنگی ندارند.

این بحثها و آرمانهای ظاهرا ایدئولوژیک [] امروز به يك امر سیاسی و مشخص تبدیل شده و روی

امور خودش هستیم. این امروز ممکن است، مطلوب است لازم است، ضروری است. بحران اقتصادی از يك طرف و تکنولوژی ارتباطی و انقلاب الکترونیک از طرف دیگر نشان میدهد چرا این امر حاکمیت مستقیم توده مردم ضروری است و چرا این امر ممکن است. و ما کمونیستها در راس این حرکت هستیم. حتی اگر تحت اللفظی به اسم کمونیسم رجوع کنید به کمون میرسید. و قبل از هر چیز کمون یعنی نفی سلطه يك طبقه بر کل جامعه. کمون یعنی حاکمیت کمونی، جامعه کمونی، یعنی خود مردم، خود توده و نه درصد باید سازمان پیدا کند و جامعه را اداره کند و اقتصاد را سازمان بدهد و در همه عرصه ها تصمیم گیری بکند. از سیاست بیمه ها تا مهدکودکها تا سیاستهای آموزشی تا فرهنگ و هنر و تا ارتباطات و رابطه با دولتهای دیگر و سیاست خارجی و جنگ و صلح. در تمام اینها باید توده مردم دخالت کند و اگر اینطور باشد دیگر معلوم نیست چرا باید ریاضت کشی اقتصادی کرد؟ به نظر من نفس ریاضت کشی اقتصادی از نظر سیاسی ضرورت حاکمیت توده مردم بر جامعه و بر سرنوشت خودشان را نشان میدهد. این حرف اول انقلابات در منطقه بود، این حرف جنبش اشغال بود و این حرف همیشگی ما است.

امروز بر متن این شرایط ما کمونیستها باید با پرچم نفی دولت مافوق مردم و حاکمیت کمونی بمیدان بیاییم. این سطح ماکرو و استراتژیک برخورد به دولت کاملا با آن جنبه سیاسی - تاکتیکی که در ابتدا گفتم در هم تنیده شده است. در ایران مشخصا برای نفی جمهوری اسلامی، انداختن جمهوری اسلامی و مقابله با آلترناتیو سازیهها از بالا باید به مقابله با کل نیروهای بورژوازی در اپوزیسیون و در دولتها پرداخت. منظور من صرفا از سر مخالفت این نیروها با انقلاب و از سر نقد رژیم چنچ و رفراندم و استحاله و جنگ و کودتا و غیره نیست. بلکه بخصوص باید از سر نقد دولت مافوق مردم بجنبگ اینها رفت. باید این سوال سؤال اساسی

اساسا به یمن جنبش اشغال حاصل شده است. شاید بهترست بگویم جنبش اشغال خود انعکاسی هست از اعتراض عمومی مردم دنیا - از جمله مردم ایران- به قدرتی که از بالای سر آنها و علیه آنها اعمال میشود. مردم معترضند به اینکه چرا تامین اقتصادی ندارند، چرا بی حقوق اند، چرا هیچ جا بحساب نمی آیند، چرا به بازی گرفته نمیشوند، چرا نهادهای قدرت از بالای سرشان میبرند و میدوزند و مردم، اکثریت عظیم مردم، هیچکاره اند. مساله دولت مافوق بطور عینی مطرح میشود بخاطر اینکه مردم دارند می بینند که حتی در کشورهای باصطلاح مهد دموکراسی و در کابینه ها و پارلمانهایی که حتی تقلبی در انتخابات صورت نگرفته مثل انگلیس و آمریکا و یونان و اسرائیل و اسپانیا و غیره نیز مردم هیچ اند و بحساب نمی آیند. مردم می بینند انتخابات بعد از انتخابات و پارلمان بعد از پارلمان و کابینه بعد از کابینه مصادر امور عوض میشوند اما همه شان يك ساز میزند: ریاضت کشی اقتصادی! در حالی که دنیا این را نمیفهمد. چرا ریاضت کشی اقتصادی؟ چرا باید میلیارد میلیارد به جیب بانکها سرازیر شود و در عوض توده مردم دنیا باید فداکاری کنند و کمتر بخواهند و کاهش دستمزدها و بیکاری را بپذیرند و گرانی و فقر و بی تامینی اقتصادی را تحمل کنند؟ این منطق کسی را قانع نمیکند و این اساس و پایه اعتراضی است که امروز در غرب و شرق سر بلند کرده است. و این برای ما کمونیستها یعنی مساله قدرت سیاسی به معنی نفی دولت مافوق مردم، به معنی نفی سلطه يك درصدیها، و اثباتا به معنی دخالت دادن اکثریت عظیم مردم در ساختار حکومت، در اداره جامعه و در سازماندهی اقتصاد و اخذ و اجرای سیاستهای مختلف در همه عرصه ها.

به نظر من دنیا بجائی رسیده است که ما کمونیستها باید در مورد دولت حرف آخرمان را اول بزنیم. ما کمونیستها خواهان نفی دولت هستیم. ما کمونیستها خواهان سازمان دادن خود جامعه برای اداره

از صفحه ۱

بعد از این تحریمهای اقتصادی و خط و نشان کشیدنهای جنگی و تکاپویی که در میان نیروهای بورژوازی اپوزیسیون برافزوده، اینست که باید در این میدان فعالانه حضور پیدا کنیم و پرچم آلترناتیو، الترناتیو طبقه کارگر را بلند کنیم. این يك جنبه آشناتر و سیاسی تر و تاکتیکی تر نظریه حزب و قدرت سیاسی هست که در این دوره باید مورد تاکید قرار داد و در اولویت گذاشت و نیروها را حولش بسیج کرد. این جهتگیری مجموعه ای از فعالیتهای تبلیغی و ترویجی و کمپینها و سازماندهی در ایران و در خارج کشور را در دستور ما قرار میدهد. باید حساسیت حزب نسبت به تلاشهای دولتها و نیروهای بورژوازی بالا برود و به سرعت عکس العمل نشان بدهد و مهمتر از همه ابتکار عمل را بدست بگیرد و در مقابل سمینارها و کنفرانسهها و گفتمانهای نیروهای راست آلترناتیو خودش را مطرح کند. الان بحث آلترناتیو و چه باید کرد موضوع داغی در میان اپوزیسیون سرنگونی طلب است و ما باید يك پای اصلی آن باشیم و مهر خودمان را بر این روند بزنیم.

جنبه دیگر مساله و جنبه جدید تر مساله که کاملا هم به جنبه اول مربوط است رویکرد به بحث حزب و قدرت سیاسی در يك سطح ماکرو و استراتژیک است. در این سطح نقد دولت و ماشین دولتی علی العموم و نفی کل دولت مافوق مردم در محور کار قرار میگیرد. این يك بعد جهانی دارد. و در ایران هم مشخصا این خودش را به شکل بن بست و استیصال کل بورژوازی ایران (و نه فقط رژیم اسلامی اش) نشان میدهد. باید گفت بورژوازی در ایران و در همه جا از لحاظ سیستم سیاسی و اقتصادی بی افق شده است و ماشین دولتی و در يك جمله میتوان گفت مطلوبیت و حفظ و کارکرد دولت مافوق مردم - که وجه مشترک تمام دولتهای طبقاتی در طی تاریخ بوده است- امروز در نزد بخش وسیعی از مردم عاصی از وضع موجود بزیر سؤال رفته است. و این

"حزب و قدرت سیاسی"...

لحاظ چشم انداز و حرکت عمومی حزب این حرف جدیدی نیست. ولی نکته مهم اینست که بر متن شرایط امروز دنیا باید دوباره به سراغ بحث حزب و قدرت سیاسی رفت. به نظر من در شرایط امروز ایران و جهان بحث حزب و قدرت سیاسی در يك سطح و ابعاد تازه ای مطرح میشود و روی میز می آید و در صدر اولویتهای ما قرار میگیرد. باید دوباره به سراغ این نظریه رفت و معانی مشخص امروز آنرا دریافت و استنتاج کرد و به آن عمل کرد. بحث من حول این مساله است.

نظریه حزب و قدرت سیاسی را در دو سطح باید مود بررسی قرار داد. یکی در سطح مشخص سیاسی - که بیشتر ما با این جنبه آشنا هستیم و در این جنبه پراتیک کردیم و تجربه داریم- به معنی سرنگونی جمهوری اسلامی تحت رهبری و هژمونی حزب و دست بالا پیدا کردن آلترناتیو سوسیالیستی که ما مطرح میکنیم در مبارزه برای قدرت سیاسی و نهایتا تصرف قدرت بوسیله حزب. این معنی عمومی نظریه حزب و قدرت سیاسی در شرایط مشخص ایران است. امروز یکی از ابعادی که این امر پیدا میکند اینست که باید بجنبگ آلترناتیوسازیهای رفت که از جانب دولتهای غربی و بورژوازی اپوزیسیون مطرح میشود. این يك جنبه مهم کار ما است. الان در يك سطحی تکاپوهائی شروع شده است حول این امر که جمهوری اسلامی را با چه باید جایگزین کرد و چطور باید جایگزین کرد. میدانید این مساله داغی است و حزب ما باید مستقیما در این عرصه وارد بشود و جواب اینها را بدهد. کار در این عرصه گرچه از قبل هم امر ما بوده است اما امروز اولویت پیدا میکنند. یعنی مبارزه حزب نه تنها علیه جمهوری اسلامی بلکه همچنین علیه کل آلترناتیوهای بورژوازی در برابر جمهوری اسلامی اهمیت زیادی پیدا میکنند. به نظر من يك جنبه مهم بحث حزب و قدرت سیاسی، امروز و بدنبال انقلابات در منطقه و در چشم انداز قرار گرفتن انقلاب در ایران و

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

"حزب و قدرت سیاسی"...

از صفحه ۲

میز قرار گفته است. بحث حزب و دولت و حزب و قدرت سیاسی در این سطح ماکسیمالیستی نیز نقد دولت را در دستور کار ما قرار میدهد. همانطور که گفتیم نقد آرمانی و نقد سیاسی دولت امروز کاملاً به هم وابسته اند. موضع مشخص سیاسی ما برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و یا نقد ما بر دولت نوع طنطوای و دیگر دولتهایی که غرب میخواهد آنها را بعنوان شریه پیروزی و ارگان برآمده از انقلابات جا بزند و در برابر دولتی که میخواهند فردا در ایران بمردم تحمیل کنند و یا بمردم سوریه تحمیل کنند همه در چارچوب موضع ماکسیمالیستی ما در نقد و نفی دولت میتواند بطور عمیق و جامع و مجاب کننده ای مطرح و توده گیر بشود.

از بعد دیگر مساله را اینطور میتوان دید که از یکسو در شرایط امروز ایران به سرعت بحث آلترناتیوها، موضوع رفتن جمهوری اسلامی و جایگزینی آن باز میشود و از طرف دیگر جنبش اشغال در غرب يك مدل و الگویی در برابر کارگران ایران و توده مردم ایران برای بجالش کشیدن يك درصدی ها و وال استریت ایران، یعنی مافیای اقتصادی جمهوری اسلامی، قرار میدهد. در این شرایط ما باید نظریه حزب و قدرت سیاسی را به معنای مشخص آلترناتیو حزبی در برابر جمهوری اسلامی مطرح و برجسته کنیم و در دستور قرار بدهیم. يك جنبه مهم این مبارزه درگیری با کل بورژوازی ایران و بورژوازی غرب بر سر مساله ایران است. از مساله پروژه هسته ای جمهوری اسلامی تا نقش اش در جنبش اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در منطقه و در دنیا یعنی مسائلی که دولتهای غربی مطرح میکنند، در برابر این مسائل هم ما باید راه حل خودمان را مطرح کنیم. راه حل همه این مسائل نهایتاً سرنگونی جمهوری اسلامی است و بهمین دلیل منزوی کردن و بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی در سطح دنیا، برسیمت شناخته نشدن آن بعنوان حکومت

ایران و بستن سفارتخانه هایش در همه کشورها و اخراجش از سازمان ملل و دیگر نهادهای بین المللی يك امر مهم مبارزاتی ما در سطح جهانی است. در حال حاضر جمهوری اسلامی مشغول سازمان دادن حمایت از خود تحت عنوان اعتراضات "ضد جنگ" در خارج کشور است. باید این تلاشها را افشا و خنثی کرد اما تنها بمیدان آمدن با شعار "نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی" کافی نیست. باید این نه به جمهوری اسلامی را مشخصا معنی کنیم و معنی آن در خارج کشور تحریم سیاسی جمهوری اسلامی و برسیمت نشناختن آن است. مدتهاست این سیاست حزب ما است ولی امروز این برجسته میشود و باید بعنوان اسلحه ای در برابر تلاشهای جمهوری اسلامی و استحاله چپها و دیگر نیروهای راست بکار گرفته بشود.

اجازه بدهید از يك جنبه دیگر هم به مساله دولت بپردازم. نظریه ما در مورد دولت از يك سر دیگر به حزب و حزبیت میرسد. بحث قدرت سیاسی اساساً یعنی بحث حزب. این در واقع تامل و تاکید مجددی بر نقش و مکان حزب در نظریه "حزب و قدرت سیاسی" است. به نظر من يك تعریفی که میشود از کمونیسم بدست داد اینستکه کمونیسم یعنی طبقه کارگر، حضور مستقل طبقه کارگر، در سیاست، و حزب یعنی چالش قدرت سیاسی بوسیله طبقه کارگر. حزب یعنی آن سازمانی که طبقه کارگر بخودش میدهد برای اینکه قدرت سیاسی را بگیرد. این يك نوع دیگر رجوع به بحث حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت است. او هم بحثش را تحت عنوان از گروه فشار تا حزب سیاسی مطرح کرد و حزب سیاسی باز بقول منصور حکمت حزبی است که در تفکرش و در تئوریش و در برنامه اش و سیاستهایش و در عملکردش قدرت سیاسی حاضر و ناظر باشد. از زاویه اجتماعی و طبقاتی میتوان گفت طبقه کارگر در سیاست یعنی کمونیسم، و طبقه کارگر در برابر

قدرت سیاسی و در مبارزه برای تصرف قدرت سیاسی یعنی حزب. به این معنی حزب و حزبیت يك جنبه پر رنگ نظریه دولت و يك مساله مهم دنیای امروز است کما اینکه می بینیم در غرب و در شرق ضعف اساسی جنبش مردم بپا خاسته در انقلابات منطقه و جنبش اشغال اینست که تحزب ندارد. اینست که خودش را برای نزدیک شدن بقدرت سیاسی و کسب قدرت سیاسی سازمان نداده است. ضعف اساسی اش اینست که خودش را سازمان نداده است برای آنکه خیز بردارد و از يك درصد حاکم خلع ید سیاسی کند. من در کنگره هم به این اشاره کردم که همه حتی لوموند و وال استریت ژورنال بیاد مارکس افتاده اند اما مارکس اقتصادی. خلاء اینجا است که يك نیروی باید اعلام کند مارکس سیاسی هم حق داشت و مارکس سیاسی یعنی نفی جامعه طبقاتی، نفی دولت مافوق مردم و یعنی سازمان یافتن کمونی جامعه و اداره جامعه از طریق کمون، از طریق قدرت مردم و این حزب و حزبیت کمونیستی را ضروری میکند. حزبی که این امر را در محور سیاستهایش بگذارد و بمیان توده مردم ببرد. ببینید لنین اعلام کرد تمام قدرت به شوراها و در نتیجه بلشویکها توانستند قدرت را بگیرند. الان هم در دنیا حزبی که بگوید تمام قدرت به نود و نه درصد، تمام قدرت به کمون و تمام قدرت به شوراها و مردم و اعلام کند مردم میتوانند و باید قدرت را بگیرند و حفظ کنند میتوانند در راس این حرکت قرار بگیرد.

بورژوازی احتراز از پرتگاهی که تمام دنیا را به آن کشانده در ریاضت کشی اقتصادی می بیند. میگویی بیکار بشوید، گرسنگی بکشید، کمربندها را سفت کنید تا من بحرانم را حل کنم. ولی اکثریت عظیم مردم دنیا میگورند راه حل این نیست. راه حل چیست؟ جواب را نباید در اقتصادیات جست. جواب در سیاست است. راه حل در نهایت لغو استثمار و نفی کار مزدی است اما روشن است که برای تحقق این امر باید ابتدا قدرت سیاسی را تصرف کرد. راه حل خلع ید سیاسی

از يك درصد حاکم است، و خلع ید سیاسی از طبقه سرمایه دار یعنی رهائی بشر، یعنی جامعه کمونی. و در پایه ای ترین سطح ضرورت حزب و تحزب کمونیستی از اینجا نشات میگردد.

خلاصه کنم. من از سه جنبه در مورد نظریه حزب و قدرت سیاسی صحبت کردم. جنبه اول، در يك سطح پایه ای و ماکسیمالیستی مساله نفی دولت مافوق مردم و تاکید بر دخالت مستقیم مردم در اداره امور و جامعه کمونی. امری که بحران اقتصادی ضرورت آن، و رهائی از فقر و بیکاری و بی تامينی اقتصادی مطلوبیت آن، و تکنولوژی الکترونیکی و مادیای اجتماعی امکانپذیری آنرا بیش از پیش به همگان نشان داده است. جنبه دوم، از نظر سیاسی و در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، مشخصاً تقابل با آلترناتیوهای بورژوازی در ایران و در يك سطح عمومی تر نقد آلترناتیوهای بورژوازی در منطقه، در مصر و تونس و لیبی و سوریه، و همچنین تشدید مبارزه برای برسیمت شناخته نشدن و تحریم سیاسی جمهوری اسلامی در سطح جهانی. و بالاخره جنبه سوم، از نظر حزبی تاکید بر تحزب و حزب بعنوان سازمان طبقه کارگر برای خلع ید سیاسی از طبقه سرمایه دار و تصرف قدرت. تنها با خلع ید سیاسی از يك درصد است که رهائی اقتصادی و آزادی واقعی نود و نه درصدی ها و کل جامعه امکانپذیر میشود. به این معنی حزب نماینده طبقه کارگر و مرجع و نقطه اتکای اکثریت عظیم جامعه در عرصه مبارزه برای تصرف سیاسی و عامل بسیج کننده جامعه بزیر پرچم طبقه کارگر در برابر يك در صد حاکم است. نمی شود سیاست را دور زد. نمی شود بدون سرنگونی و خلع ید سیاسی از بورژوازی چه در شرق و چه در غرب به لغو استثمار و نابرابریها و تبعیضات اجتماعی و اقتصادی و طبقاتی رسید. برای اینکه این امر اتفاق بیفتد به حزب نیاز داریم. و باین ترتیب حزبیت و

تحزب در محور مبارزه قرار میگردد. بر متن ضرورت نفی دولت مافوق مردم، بر متن ضرورت خلع ید سیاسی از بورژوازی در همه جا، بر متن ضرورت حاکمیت مستقیم مردم، بر متن ضرورت و مطلوبیت قدرت گرفتن و دخالت مستقیم جامعه در امور خود، امری که همانطور که گفتیم تکنولوژی الکترونیک امروز آنرا کاملاً ممکن کرده است، بر این متن باید بر ضرورت و مطلوبیت حزب و حزبیت کمونیستی تاکید کرد و کارگران و توده مردم عاصی از وضع موجود را به سازمانیابی حزبی فراخواند.

بطور خلاصه جمع بندی بحث من اینست که بعد از کنگره بحث حزب و قدرت سیاسی در راس الویتها و فعالیتها ما قرار میگردد و چه در ایران و چه در منطقه و چه در سراسر جهان امر نفی دولت مافوق مردم و امر حزب و حزبیت امر کمونیسم به معنی کمون و جامعه کمونی اینها همه به امر روز ما تبدیل میشود. روشن است که بطور خودبخودی این موضوعات بجلو رانده نمیشوند. نه انقلابات در منطقه و نه جنبش اشغال در روند عینی خودش به این ضرورتها نمیرسد. این کار ما کمونیستهاست. اینطور میتوان گفت که پتانسیل عظیمی در جنبشهای اعتراضی و مبارزات امروز دنیا وجود دارد برای اینکه کمونیسم و جامعه کمونی و حزب و حزبیت و نفی دولت مافوق مردم به معنایی که توضیح دادم را بپذیرد و در خود جذب کند. و شرایط بسیار مساعدی وجود دارد برای اینکه اینها به موضوع روز و به گفتن عمومی و به نیروی محرکه انواع جنبشها و اعتراضات و حرکتها علیه وضع موجود در سطح جهانی و بویژه در ایران تبدیل بشود. تحقق این ظرفیتهای دست حزب ما را میبوسد. ۱۵ مارس ۲۰۱۲*

این نوشته بر مبنای بحثی در جلسه با کادرهای حزب در مورد نتایج عملی کنگره هشتم تنظیم شده است.

انترناسیونال**را بخوانید و وسیعاً تکثیر و پخش کنید****زنده باد سوسیالیسم!**

بازتاب هفته

پایانی بر یک ادعای دروغین

منصور ترکاشوند، از ایران

برای وا رفتن همه ای این توهم پیش از دو سال زمان لازم نبود. نه بخشی از خود حکومت و نه بخشی از اپوزیسیون بعضاً "چپ" هیچکدام نتوانستند رنگ بی معنایی را به جنبش سرنگون طلبی مردم بزنند. علمدار این پرچم کلاشی خودش باید آنرا پایین می آورد، پرچم دار اصلاحات یعنی سید محمد خاتمی به رغم تهدیدات قبلی اش مبنی بر تحریم انتخابات مجلس نهم، با سرشکستگی پای صندوق رای رفت و دوباره به "ولی مسلمین جهان" رای داد. همزمان نیز تلویزیون رسا، یعنی تلویزیون "سبزها" نیز تعطیل شد. نه رای و نه تعطیلی حادثه نبودند، حکم بازی سیاست بودند. پایانی بودند بر یک ادعای دروغین، پایانی بودند بر توهم برخی که سبز را باور کرده بودند. قرار نبود خاتمی رای ندهد. قرار هم نبود هر کس با یک ادعای رنگی به میدان آمد در میدان بماند. دنیای سیاست نهایتاً قطیبت، با بازی نه این و نه آن، هم این و هم آن، نمیشود بازیگر جدی دنیای سیاست بود. رای خاتمی و تعطیلی تلویزیون رسا یعنی نما دهی "جنبش سبز" برای ما از پیش کاملاً قابل فهم و پیشبینی و اساساً گریز ناپذیر بودند. برای حضور در سیاست باید افق تعریف شده معلومی داشت. باید برنامه سیاسی داشت. و برای تداعی شدن با مردم باید برای تک تک آمال توده های مردم راه و منش روشن داشت. تلویزیون رسا تعطیل شد چون اهداف و ایده ها وافق از نظر مردم با معنایی نداشت. بعبارت بهتر کل آنچه "جنبش سبز" خوانده میشود جنبش سیاسی واقعی نبود و نیست، سبزی با پرچم احیای "جمهوری اسلامی دوران امام" درحالی که مردم از کل نظام ضد انسانی اسلامی گذشته بودند مسخره تر از آن بود که بتواند در صحنه بماند، همین اندازه هم که تاب آورد زیادی بود. جنبش های اجتماعی واقعیند. ریشه دارند.

اهداف و معنای روشن دارند. سبز فقط تلاش بخشی از جمهوری اسلامی و اپوزیسیون همراهش برای سوار شدن روی جنبش سرنگونی مردم و خریدن عمر برای این حکومت منفور بود. اما درست برعکس جنبش سبز که صرفاً توهم بخشی از حاکمیت جمهوری اسلامی برای نجات از مرگ محتوم نظام اسلامی بود، جنبش سرنگونی واقعی بود و هست. برخی به اسم سبز تلاش میکردند تا جنبش سرنگونی مردم را کنترل کنند اما امروز دیگر با این رای و این تعطیلی این حباب ترکیده است. آنچه در انقلاب ۸۸ در صحنه حضور واقعی داشت جنبش سرنگون طلبی مردم بود و این جنبش هنوز هم خواب را از سر جمهوری اسلامی پرانده است. بخشهایی از حاکمیت هم صدا با بخشی از اپوزیسیون تلاش کردند به اشکال متفاوت رنگ جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی را سبز جلوه بدهند. اما پتک سنگین واقعیت هر توهمی را فرو ریخت. حالا بی معنا و بی افق بودن سبز روشن شده است و کل "سبز" بحران هویت دارد! به همین دلیل باید که متلاشی میشد. تلویزیون رسا فقط و فقط به این دلیل تعطیل شد که بحران هویت داشت و خاتمی هم رای داد چون دقیقاً ایشان یک بال این نظام را نمایندگی می کرد و میکند. خاتمی در سرنگونی این نظام "الهی" به هیچ وجه ذینفع نیست. خودش بخشی از این نظام است. و بحرانی که تلویزیون رسا را به تعطیلی کشیده است سیاسیست، مالی یا ناشی از مشکلات حاشیه ای دیگر نیست. ریشه رای خاتمی و تعطیلی تلویزیون رسا در غیر واقعی بودن "جنبش سبز" است و نه هیچ چیز دیگر. جنبش واقعی ای که در صحنه بود و هست جنبش سرنگونیست. جنبشی که نه بخشی که کل این نظام ضد انسانی را نمی خواهد. جنبشی که با هر تحرك تازه رادیکالتر میشود. و این رادیکالیسم رهبر دارد. میتکر و پیشرو دارد. حزب خود را دارد. روشن است که آزادی بی قید شرط بیان صاحب دارد. لغو مجازات اعدام صاحب دارد. حکومت شورایی

صاحب دارد. لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید صاحب دارد.... صاحب رادیکالترین نظرات اجتماعی رهبر گریز ناپذیر تحركات اجتماعی مردم است. "سبزها" بخواهند یا نخواهند خزان ابدیشان با یک رای و یک تعطیلی فرارسیده است. دستبند جناب سازگارا سبز بماند یا نه اما بر نامه سیاسی ایشان نیز به آخر خط رسیده است، با این نماد سبز دیگر کسی آدم سیاسی جدی به حساب نمی آید. دنیای سیاست شاید بدلیل بی رحمی اش لقب بی پدر و مادری گرفته است. سیاست برای آدمهای با هویت مجهول کاملاً بی رحم و فاقد پدر و مادراست. افول سبز یک واقعیت است و واقعیتی که جنبش سرنگونی را از توهامات بیش از پیش رها می نماید. با این ریسمانهای پوسیده نمیشود انقلاب را مهار کرد. برعکس فروپاشی این ادعای دروغین "سبز" فقط و فقط انقلاب مردم را رادیکالتر می کند.*

خرابی از فرستنده است نه از گیرنده!

یاشار سهندی، از ایران

چهارشنبه هوا ابری بود و احمدی نژاد به مجلس رفت و به سوالات ده گانه نمایندگان مجلس اسلامی پاسخ گفت. ایشان سال گذشته گفته بود که مجلس دیگر در راس امور نیست، برخلاف گفته خمینی که مجلس را راس امور اعلام کرده بود. احمدی نژاد طی یکساعت به نمایندگان مجلس حالی کرد که نه تنها راس امور نیستند بلکه مردمانی شایسته تحقیر هستند آنها از سوی کسی که خود فرومایه ترین انسان است. احمدی نژاد تا توانست ایشان را دست انداخت و تا جا داشت به زبان خودش لیچار بارشان کرد. یکسالی بود که نمایندگان مجلس زور میزدند که احمدی نژاد را به مجلس بکشاند تا به ایشان نشان دهند که کی در راس امور است. اما "آقا" اجازه نمیداد تا اینکه احمدی نژاد خواست ثابت کند حرف اول را ایشان میزند کسی دیگر، برای همین تو روی آقا ایستاد و آقا فرمان "هجمه" را داد. از آن زمان مشخص شد که نه تنها احمدی نژاد هاله نور ندارد که گویا دل آقا امام زمان هم از دست ایشان

چرکین است. گفتند احمدی نژاد مانند تلویزیون خراب میماند، مجبور هستند با "تصویر برفکی" او بسازند. رئیس جمهوری که نظر کرده آقا بود یکباره شد رئیس جمهور "جریان انحرافی". طرح سوال مجدداً و برای دوازدهمین بار کلید خورد و اینبار آقا اجازه داده بود. خود نمایندگان مجلس اذعان میکنند که انتظاری جز اتفاقی که افتاد نداشتند. یعنی میدانستند که احمدی نژاد "آدم پاسخگویی" نیست اما اینجا را نخوانده بودند که اینگونه مسخره شان کند. به قول سایت تابناک احمدی نژاد آمده بود که "صفایی" بکند و ایشان صفایی کرد و راهش را کشید و رفت. نمایندگان منتظر نظر آقا میمانند تا ایشان چه فرمان دهند. قرار بود که با "طرح سوال از رئیس جمهور" تابوی "پاسخگو" نبودن ریاست جمهور را بشکنند. خواستند ادای پارلمانهای اروپایی را در بیاورند که اینها هم بله میخوانند! چهارشنبه اما اوج فضاخت بود. گفتند و نوشتند و تفسیر کردند که سوال از رئیس جمهور را میتوان تحولی در ساختار جمهوری اسلامی دانست. گفتند که این اولین بار است که یک رئیس جمهور مورد سوال واقع میشود و همین مهم است احمدی نژاد هر چی میخواهد بگوید، بگوید! مهم اما نفس مطرح کردن سوال است که گویا کسی هست که یقه رئیس جمهور را بگیرد. رئیس جمهوری که یک زمانی معجزه هزاره سوم خوانده میشد گفت چرا یقه من را میگیرید یقه خودتان را بگیرید. و ایضا ارگانهای دیگر. احمدی نژاد چون میدانند کارش تمام است و دیگر تاریخ مصرفش برای جمهوری اسلامی به آخر رسیده تلویحا به نمایندگان گفت اگر جرات دارید

بروید یقه آقا را بگیرید. چرا که وقتی وزیر خارجه به فرمان کس دیگری ماموریت میبرد من چکار باید می کردم؟ احمدی نژاد و نمایندگان مجلس نمی توانند به آقا "جسارت" کنند و این تابو را هم بشکنند و آقا هم را پاسخگو کنند. و این نه صرفاً بخاطر اینکه کنترل همه چیز دست ایشان است و میتواند کاری کند که مثلاً شب احمدی نژاد برای همیشه بخوابد، بلکه میدانند نمی توانند تو روی آقا بایستند چون شیرازه حکومت شان از هم میپاشد. مضحکه هایی مانند مضحکه چهارشنبه که به اذن آقا صورت گرفت نشان داد که واقعا این حکومت از درون پوسیده است. کارگزاران حکومت حتی حرفی ساده برای هم ندارند. جوابی به سوالات هم ندارند جز تهدید و ارعاب و مسخره کردن یکدیگر. چنان این حکومت از درون تهی شده است که تنها چیزی که برایشان مانده مدرک تحصیلی شان است. احمدی نژاد میگوید طرف با "فشار دادن یک شاسی فوق لیسانس گرفته" یکی از نمایندگان میگوید وقتی دکترا داشتیم که احمدی نژاد هنوز لیسانس نداشت! رئیس مجلس هم اذعان میکند داستان شاسی و فوق لیسانس توهین به مجلس بوده! بهر حال احمدی نژاد را به تعمیرگاه بردند و معلوم شد که این تنها او نیست که برفکی شده است بلکه کل حکومت تصویرش همراه با پرش و برفک است. خرابی از فرستنده است نه از گیرنده! بهر حال اگر هم احمدی نژاد قابل تعمیر هم میبود (که البته گذاشته) جز سیاهی و تباهی چیزی برای نمایش دادن به مردم نداشت. همانگونه کل حکومت جمهوری اسلامی جز این نیست.*

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این نشانی ها با ایدیل ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا
 بانک بروی (کانادا - آمریکا) : شماره ۱-۲۱۶ ۷۵۳ ۳۳۶
 شماره ۱-۲۱۶ ۲۷۱ ۷۱۸

ایمیل: babakayazdi@yahoo.com

زری اسمی (فوب کانادا - ونکوور) : شماره ۱-۶۰۲ ۲۷۲ ۸۸۶
 ایمیل: zariassli@yahoo.ca

فوب اروپا
 انستورات نیس: شماره ۰۳۳ ۷۳ ۸۹ ۱۷۰
 شماره ۰۳۳ ۷۳ ۸۹ ۱۷۰

ناسم: شماره ۰۳۳ ۷۳ ۸۹ ۱۷۰
 شماره ۰۳۳ ۷۳ ۸۹ ۱۷۰

جل جلی (اتلستان): شماره ۰۳۳ ۷۳ ۸۹ ۱۷۰
 شماره ۰۳۳ ۷۳ ۸۹ ۱۷۰

ایمیل: شماره ۰۳۳ ۷۳ ۸۹ ۱۷۰
 شماره ۰۳۳ ۷۳ ۸۹ ۱۷۰

مهن کونا (آلمان): شماره ۰۳۳ ۷۳ ۸۹ ۱۷۰
 شماره ۰۳۳ ۷۳ ۸۹ ۱۷۰

ایمیل: شماره ۰۳۳ ۷۳ ۸۹ ۱۷۰
 شماره ۰۳۳ ۷۳ ۸۹ ۱۷۰

کارل مارکس



سرمایه

(کا پیتال)

ترجمه جمشید هادیان

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

بازتاب هفته

"مجانین" و مردم افغانستان



بهروز مهر آبادی

اما خارج از تفسیر ها و گمانه زنی ها درباره این کشتار و در پشت مقولاتی چون جنون و انتقام، واقعیت دیگری وجود دارد که زندگی میلیون ها نفر از مردم افغان را به تباهی کشانده است. مردم افغانستان سالهای طولانی مورد حملات ارتجاعی ترین و وحشی ترین ارتش ها و باند های مسلح بوده اند. علاوه بر گروه های مختلف تروریست اسلامی، از یازده سال قبل ارتش آمریکا و متحدانش نیز به این جمع اضافه شده اند. با وجود سانسور شدید و وجود فضای سرکوب و خفقان تاکنون صدها گزارش از کشتار مردم غیر نظامی توسط این نیروها انتشار علنی یافته است. موارد متعدد حمله هوایی به محل های مسکونی و تیراندازی به سوی غیرنظامیان، توهین و تحقیر و زندانی و شکنجه کردن مردم بدون دلیل. از سوی دیگر تروریسم اسلامی توانسته است شبکه خود را در داخل افغانستان گسترش داده و آن را تقویت کند. بیشتر حملات این گروه ها متوجه مردم غیرنظامی و بویژه زنان و کودکان بوده است. مدارس توسط نیروهای اسلامی به آتش کشیده می شود و دانش آموزان بویژه دختران قتل عام می شوند. زنان بیشترین قربانیان توحش گروه های تروریست اسلامی هستند و اسید پاشی به صورت زنان پدیده ای عادی است. بسیاری از مردم بدلالی از قبیل همکاری نکردن با طالبان، نپرداختن باج یا شنیده شدن صدای موسیقی از روستای محل اقامتشان و ... قتل عام شده اند. به این مجموعه باید دولت گمارده شده از طرف آمریکا را اضافه کرد که ائتلافی از باند های مافیائی است. رشوه گیری و فساد بی نهایت مالی، قاچاق مواد مخدر، غارت دسترنج میلیون ها زحمتکش افغان و چپاول ثروت های طبیعی، نقطه مشترک همه باند های سهیم در حکومت است.

آنچه که در افغانستان حکومت می کند، تروریسم است. کوچه ها و خیابانها، دشت ها و مزارع و کوهها و دره های افغانستان صحنه جنگ

تروریست ها است. بیشتر قربانیان این جنگ را غیرنظامیان، کودکان و زنان تشکیل می دهند. کسی در این جنگ خود را برنده می داند که قساوت بیشتری داشته باشد و بتواند بیشتر ایجاد رعب و وحشت کند. به همین دلیل است که مردم در امن ترین مکانی که می توان تصور کرد یعنی در خانه های خود و در هنگام خواب هم نباید احساس امنیت کنند. حمله سرباز یا سربازان آمریکایی به منازل مسکونی و کشتار مردم را باید در متن چنین جنگی بررسی کرد. این سوال را باید مطرح کرد که چرا ناراحتی روانی سرباز آمریکایی خود را در حمله به مردم افغان که در بستر خواب بودند، بروز می دهد؟

قضاوت در مورد وضعیت روانی افسری که با فشار یک دگمه راکت حامل صدها کیلو مواد منفجره را به سوی مردمی که دهها کیلومتر دورتر زندگی می کنند و یا خلبانی که در یک یورش دهها خانه را بر سر ساکنین آن ویران می کند، کار دشواری است. همچنان که نمی توان خیل عظیم شیوخ اسلام را که به بدن کودکان بمب می بندند و آنها را وسط بازارها منفجر می کنند، یا آب آشامیدنی یک مدرسه را مسموم می کنند، روانپزشک دانست و درمانی برایشان پیدا کرد. موارد مختلف ترور، جنایت و شکنجه که بصورت وقایع روزمره زندگی مردم افغان درآمده و از جمله کشتار مردم یک روستا در ۲۱ اسفند، را نمی توان فقط عملکرد مجانین و دیوانگان دانست. این ها را می توان نتیجه و نمایش توحشی دانست که بر آن جامعه حاکم کرده اند.

از سحرگاه ۲۱ اسفند تاکنون چندین انفجار و تیراندازی در نقاط مختلف افغانستان روی داده و چندین نفر دیگر کشته و یا مجروح شده اند. این در حالی است که بند و بست بین اصلی ترین نیروی تروریسم اسلامی در این کشور یعنی طالبان از طرفی و دولت افغانستان و متحدین غربی اش به مراحل آخر خود رسیده است. دولت آمریکا وعده آزادی پنج نفر از رهبران طالبان و فرستادن آنها به قطر را داده است. طالبان قرار است که دفتر خود را در کشور قطر بازگشایی

کنند و در حکومت آینده افغانستان شریک شوند. طرفین جنگ تروریستی به صلح و آشتی نزدیک شده اند. این مذاکرات بیش از یک سال است که به طور خیلی جدی ادامه داشته است. معمولاً با آغاز مذاکرات صلح بین طرفین درگیر، دامنه و شدت جنگ محدودتر می شود. اما در افغانستان چنین نیست. جنگ تروریست ها در مقابل مردم افغان ادامه دارد. مردمی که خواهان برابری، آزادی و کوتاه شدن دست های خون آلود مذهب از زندگی خود هستند. تروریست ها در حال آشتی هستند، ترکیب و چهره باند های مافیائی سهیم در حکومت ممکن است تغییر کند. شرایط برای بازدهی بیشتر نیروی کار ارزان در افغانستان باید مساعد شود. سفر هیاتی از نخست وزیران و وزرای اتحادیه اروپا به افغانستان در روز ۲۲ اسفند برای کمک به این پروسه است. سخاوت دولت های آمریکا و اعضای اتحادیه اروپا در ارائه کمک های چند صد میلیون دلاری به "نهاد های امنیتی" در افغانستان را باید درک کرد. بار بحران عمیق اقتصادی سرمایه داری باید بر دوش کارگر افغان هم گذاشته شود. اما برای

اینکار باید او را سرکوب و منکوب کرد. باید قوانین و توحش اسلامی را بیشتر به خدمت گرفت و بیشتر بجان مردم افغان انداخت و باید ترس و وحشت عظیمتری ایجاد کرد. اقدام سرباز آمریکایی را باید در متن سیاست ایجاد ارباب و وحشت و انجام قساوت بیشتر باید قضاوت کرد و جنون او را تجلی جنون و سردرگمی سرمایه داری دانست. مردم افغانستان در مقابل "اتحاد مجانین" قرار گرفته اند، "جنون سرمایه داری" و "جنون اسلام سیاسی" که پایه های قدرت در سال های اخیر متزلزل شده و مطیع اربابان سابق خود گشته است. آنها مبارزه ای سخت و طولانی در پیش رو دارند، اما تنها نیستند. جنبشی که در یک سال اخیر مبنای وجودی سرمایه داری را زیر سوال برده است، از آنها حمایت می کند و در کنار آنها است و بدون شک نزدیک ترین متحد آنها کارگران و مردم ایران هستند که در جبهه دیگری از این نبرد بر علیه قدرتمندترین نماینده اسلام سیاسی مبارزه می کنند و پیروزی آنها می تواند تاثیر مهمی در سرنوشت مردم افغانستان داشته باشد.*

حق اعتصاب

"...اعتصاب کارگری نیازمند هیچ مجوزی از جانب دولت و مقامات دولتی نیست. پرداخت حقوق کامل در ایام اعتصاب. حق برابر برای اعتصابیون برای توضیح علل اقدام خویش و پاسخگویی به اظهارات دولت و کارفرمایان از رسانه های عمومی. ممنوعیت غیر قانونی کردن کردن اعتصابات به هر بهانه، نظیر "منافع ملی و میهنی"، "شرایط اضطراری"، "شرایط جنگی" و غیره.

- ممنوعیت استخدام اعتصاب شکن و یا بکارگیری نیروهای نظامی و انتظامی بجای اعتصابیون در کلیه بنگاه ها، اعم از خصوصی و دولتی.

- حق دست از کار کشیدن برای کارگرانی که در اعتراض به برخورد و عملکرد کارفرما و عوامل او، مسائل ایمنی و یا بروز مشکلات پیش بینی نشده در محیط کار، موقتا کار را متوقف میکنند تا به اعتراض آنها رسیدگی شود.

- آزادی پیکت در برابر بنگاه ها. آزادی پیوستن به پیکت های کارگری برای همه مستقل از اشتغال و یا عدم اشتغالشان در بنگاه مربوطه.

(از برنامه یک دنیای بهتر)

اساس سوسیالیسم انسان است!

اول مه، جهان در تصرف ...



از صفحه ۱

گسترده اعتصابات و نبردهای قهرمانانه کارگران علیه سیاست های ریاضت کشی، اول مه جایگاه حتی برجسته تری دارد. فراخوان جنبش اشغال وال استریت و سایر شاخه های جنبش اشغال در آمریکا دقیقاً انعکاس این وضعیت متفاوت امسال است. از یونان تا اسرائیل و آمریکا و فرانسه و اسپانیا و غیره همه جا کارگران و توده های وسیع مردم یعنی ۹۹ درصدی ها در برابر یک درصدی

ها و نظام شان صف آرایبی کرده اند. در ایران هم دقیقاً موقعیت شبیه اوضاع جهانی است. فقر و فلاکت و بیکاری و بی حقوقی و دولت پلیسی ضریب جنایات اسلامی شده و در عین حال کارگران و مردم ایران به یمن قدرت نمایی خود در سال ۸۸ و با الهام از انقلابات جهانی مصمم اند

تا به میدان بیایند و آیت الله های میلیاردر را کنار بزنند و سرنوشت خود را بدست بگیرند.

با توجه به اینها اول مه چه در جهان و چه در ایران میتواند و باید قدرتمند تر و سیاسی تر و موثرتر از هر سال ظاهر شود. نیازی به گفتن نیست که حزب کمونیست کارگری با تمام قوا در این جهت فعالیت میکند و همراه با جنبش ۹۹ درصدی ها در جهان و ایران میکوشد تا اول مه را به روزی برای قدرت نمایی همه ۹۹ درصدی ها زیر پرچم رهایی بخش

کارگران تبدیل کند. در این رابطه برنامه های حزب اعلام خواهد شد. اما در همین رابطه مفید دیدم که ترجمه متن فراخوان جنبش اشغال "لس آنجلس" و "لانگ بیچ" در آمریکا برای اول مه سال ۲۰۱۲ در اختیار خوانندگان انترناسیونال قرار گیرد. این متن بدرجه ای مطالبات و شور و حال جنبش ۹۹ درصدی ها در آمریکا در مورد اول ماه مه را بیان میکند. در این فراخوان رو به همه اقشار جامعه صحبت شده و از آنها خواسته شده که در اول مه کار را

تعطیل کنید و به خیابان بیایید و مطالبات خود را مطرح کنید. به امید اینکه این فراخوان در ایران نیز پاسخ گسترده ای بگیرد. لازم است یادآور شوم که متن انگلیسی این فراخوان در صفحه فیسبوکی "جنبش اشغال لانگ بیچ" در لس آنجلس که ظاهراً پیشتاز این حرکت بوده در آدرس زیر قابل دسترسی است:

<https://www.facebook.com/events/3370684929741/>

فراخوان اول مه جهانی

ندارد. مربوط به تظاهر کننده ای است که کتک میخورد و به زندان انداخته میشود چون در اماکن عمومی پلاکاردی در دست گرفته که روی آن نوشته دیگر بس است. مربوط به مزرعه داری است که بخاطر افزایش مالیات دولتی بر زمین اش مجبور است خانه و کارش را ترک کند. مربوط است به پدری که پسرش را در جنگ بی معنی برای نفت و اراضی خارجی از دست میدهد.

مادر تنهایی است که تقلا میکند با حداقل دستمزد، که مزه درخور زندگی نیست، بچه هایش را بزرگ کند. مربوط به زنی است که حتی فارغ التحصیل "هاروارد" است، با تمام توان در بهترین شرکت های وکالت مملکت جان میکند اما ارتقاء نمی گیرد چون یک مرد نیست. مربوط به بی خانمان سیاهپوستی است که در حلیب آباد زندگی میکند و بخاطر شاشیدن در پارک به زندان انداخته میشود چون توالت عمومی در خیابان برای چنین کسانی وجود

است و دستاوردهای تاریخی جنبش کارگری گرمی داشته میشود. ما میتوانیم بشما بگوییم که در لس آنجلس اول مه سنتا بعنوان روز مبارزه برای حقوق مهاجرین گرمی داشته میشود.

اما فقط شما نمیتوانید به ما بگویید که شما در اول مه ۲۰۱۲ برای چه اعتصاب میکنید! چونکه اعتصاب عمومی اول مه تماماً مربوط به شماست. چونکه مربوط به قرضی است که بالا می آورید، اگر جرئت تحقق رویای تحصیلات دانشگاهی را به خود راه دهید. چونکه مربوط به بهداشت عمومی است که شما از عهده مخارج آن بر نمی آید و عضو بیمار خانواده تان باید بی مداوا و معالجه سر کند چون بیمه نیست. مربوط است به اتومبیل شما که بعد از آنکه شغل را از دست دادی از شما پس میگیرند. مربوط است به خانه شما که درش را می بندند وقتی بانک شما ورشکست شده است. مربوط به خانواده شماست که برای آینده بهتر به اینجا آمد اما در چم و خم سیستم ورشکسته مهاجرت گیر افتاد و فهمید که نمی تواند شغل قانونی و تحصیلات و امنیت داشته باشد چون ثبت شده نیست. مربوط به شما محصل همجنسگراست که مورد اذیت و آزار قرار میگیرید و در مملکتی بزرگ میشوید که انسانیت و برابری را از شما دریغ میکنند چون شما به همجنس خود عشق جنسی دارید. مربوط به این واقعیت است که کار نیست حتی اگر شما تحصیلات دانشگاهی داشته باشید. مربوط به

کارگران تحت حمله یک درصدی ها هستند. جنبش اشغال در کنار کارگران (چه متشکل و چه غیر متشکل) و مهاجران می ایستد. اتحادیه ها و حقوق اتحادیه ای چیزی است که طبقه کارگر را قوی کرده است. هر امتیازی ما مردم کارگر داریم نتیجه مبارزه کارگران متشکل و مهاجران برای حقوق شان است. حالا آنها (یک درصدی ها) در تلاش اند که حق قرارداد جمعی ما را از بین ببرند و طمع آنها اکنون بر صندوق بازنشستگی ما دست انداخته است. آیا به اندازه کافی ندارند؟

کافی است!

یک روز برای حقوق مهاجران، حقوق کارگران و حقوق انسانها. بیرون انداختن مردم از خانه هایشان بدلیل نپرداختن وام مسکن را متوقف کنید! ما خواهان شغل خوب و پرداخت خوب برای هر کس در این کره خاک هستیم. برای همه شهروندان کشور، چه آنها که کار می کنند و یا آنها که کار نمی کنند! قرار دادهای بیمانی از طرف به اصطلاح "خالقین مشاغل" برای بدست آوردن کار ارزان تحمل نخواهد شد. همه انسانها مستحق یک دستمزد در خور زندگی هستند.

تحصیل، مسکن و بهداشت عمومی حقوق انسانی هستند نه "مزایا"! ما میتوانیم بشما بگوییم که اول مه روز جهانی کارگر است. ما میتوانیم بشما بگوییم که در برخی کشورها این روز یک تعطیل عمومی

روز: سه شنبه اول مه ۲۰۱۲ ساعت: از یک بامداد تا نیمه شب مکان: سراسر دنیا عمل: اشغال جهان توسط ۹۹ درصدی ها

روز اول مه ۲۰۱۲، کار تعطیل است. کلاس درس تعطیل است. رفتن به خرید و مراجعه به بانک و هرگونه داد و ستد تعطیل است. ساکنان کره زمین خیابان ها را به تسخیر در می آورند. جنبش "اشغال لس آنجلس" و "اشغال لانگ بیچ" (در آمریکا) از هم اکنون تمام مردم جهان را به تدارک برپایی یک اعتصاب جهانی فرامیخواند. هدف این است که کل تجارت جهانی متوقف شود به یک درصدی ها نشان دهیم که ما سربراه نیستیم، ساکت نخواهیم نشست و تا خواسته هایمان برآورده نشود از جایمان تکان نمی خوریم.

اعتصاب عمومی برای این خواستهها فراخون داده شده است:

حقوق پناهندگی، برای عدالت اجتماعی، اقتصادی، محیط زیست و حقوق کارگران، برای صلح همراه با عدالت، برای حقوق مدنی و پایان دادن به دولت پلیسی، برای مسکن، بهداشت عمومی، تحصیل عمومی و حقوق بشر، برای حقوق زنان و برابری جنسیتی، و هر قاره، هر کشور، هر دولت و هر شهر از حرکت باز خواهد ایستاد.



تحریمها و دزدی ها

مهران محبی، از ایران

مقامات جمهوری اسلامی از خامنه ای گرفته تا احمدی نژاد و رؤسای مجلس و قوه قضائیه و سرداران سپاه و غیره چندین سال است که در رجزخوانیهایشان مدام از دور زدن و خنثی کردن فشار تحریمها و تبدیل نمودن آنها به فرصتها و موقعیتهایی برای پیشرفت در زمینه های علمی، اقتصادی و از همه مهمتر کسب موقعیتهای هسته ای صحبت کرده اند. اگر چه این خزعبلات حکومتیها از نظر توده های مردم کاملاً بی اعتبار است و می دانند سران حکومت به قصد خریدن آبرو و حیثیت دست به چنین تبلیغاتی می زنند، ولی در عین حال این مردم بهای شارلاتانیسم اسلامی را با تحمل مشقات و مصائب ناشی از اعمال تحریمهای دول غربی به قصد متوقف کردن جمهوری اسلامی از برنامه های هسته ای اش تا به امروز پرداخته اند. اما این وضعیت هولناک معیشتی برای مردم دیگر قابل تحمل و قابل دوام نیست. هشدارهای پیاپی دست انترکاران حکومت به یکدیگر برای یافتن راه حل برون رفت از اوضاع بحرانی اقتصادی و گرانی، نشانه های بارزی از وحشت رژیم از انفجار جامعه و آمدن مردم به خیابان برای پاک کردن حسابشان با جانیان اسلامی است. حکومتی ها در کنار هشدارها به یکدیگر، اما هر يك در تلاشند تا تقصیر شرایط بوجود آمده را به گردن دیگری بیندازند. وضعیت به حدی بحرانی و انفجاریست که دیگر حتی افراد وابسته و به ظاهر همبسته در طیفها و گروههای معین، هم یکدیگر را متهم می کنند. شمشیر کشیهای اخیر جناح اصولگرا علیه یکدیگر در جریان افت صدصدی ارزش ریال در برابر ارز و قیمت سکه و طلا دیدنی بود. مجلس، احمدی نژاد و دور و بریهایش را مقصر می دانست و احمدی نژاد تقصیر را گردن رسانه ها و مخالفین خود می انداخت. حسین شریعتمداری هم پای بهائیان را وسط کشید تا کل نظامشان را کمی از زیر فشار بیرون بکشد. در جریان این کشمکشها مجلس فراخوان تشکیل کمیته بررسی و کشاندن وزیر اقتصاد، بهمنی و احمدی نژاد به مجلس برای پاسخگویی و یافتن راه حل بحران را می داد، اما احمدی نژاد به نشانی دهن کجی به مجلس، همراه خود

قیمت دلار ۱۰۵۰ تومانی با دلار ۱۲۲۶ تومانی محاسبه شده است، در حالیکه همان زمانی که خود حکومتیها تهدید به مجازات به قول خودشان اخلاگران ارز و سکه می کردند، پشت پرده، دلارها را برای فروش با قیمتهای بالای ۱۸۰۰ تومان هم روانه بازار آزاد می کردند و این واقعیت را بعداً خود دزدان اسلامی به یکدیگر یادآوری کردند. و اما می رسمیم به سؤاستفاده رژیم و دولتشان از آشفته بازار سکه! در جریان گرانی و دو برابر شدن قیمت سکه در بازار، دولت نرخ رسمی هر قطعه سکه طلا را حدود ۶۲۰ هزار تومان اعلام کرد و اقدام به پیش فروش ۴ میلیون سکه با تحویل ۴ ماهه و ۶ ماهه طی دو ماه نمود. سود حاصل از فروش هر تمام سکه ۱۹۵ هزار تومان [نیم سکه ۹۶ هزار و ربع سکه ۴۸ هزار تومان نسبت به دوره قبل از بحران اخیر است. اگر این ۴ میلیون سکه را با میانگین نیم سکه در نظر بگیریم، یعنی ۴ میلیون را در سود ۹۶ هزار تومانی ضرب کنیم مبلغ آن می شود ۳۸۴۰۰۰۰۰۰ سیصد و هشتاد و چهار میلیارد تومان. این چند قلم میلیاردی گوشه ای و فقط گوشه ای از هزینه های تسلیحاتی و هسته ای رژیم برای مردم است. نود و هفت هزار و دویست میلیارد تومان بابت دور زدن تحریم فقط از طریق تجارت با امارات است. با این مبلغ می شد به ۴ میلیون کارگر بیکار به مدت ۸۱ ماه بیمه بیکاری داد. این پولها از سرمایه اجتماعی برداشت شده و صرف حفظ و بقای حکومت سرکوبگرشان کرده اند و در عوض مردم هستند که بار فقر و نداری و بیکاری را بر دوش می کشند. ادعاهای دور زدن تحریم توسط سران حکومت، با توسل به چنین جنایاتی در حق مردم تحقق می یابند، نه آنطور که در تبلیغات رسانه هایشان از ابتکار و نوآوری مقابله با تحریم به دروغ گوئی می پردازند! در واقع ابتکارات نفرت انگیزشان چیزی جز چپاول ثروتها متعلق به مردم و زدن از امکانات اجتماعی و خرد کردن کمر بیش از ۷۵ میلیون انسان زیر بار گرانی نیست. که به دلالت بین المللی می پردازند تا جنگ افزار و تجهیزات هسته ای و همچنین وسایل و ابزار آلات کشتار و سرکوب و جاسوسی علیه مردم خریداری کنند. علاوه بر اینکه چنین ارقام سرسام

پیام تبریک حمید تقوایی به ...

مردم دنیا را در اعتراض به وضعیت موجود، برای بزیر کشیدن دیکتاتوریه و برای نفی سلطه يك درصد مفتخور بر مقدرات جامعه بحرکت در آورده است. مردم دنیا وضعیت موجود را نمی پذیرند و خواهان خلع يد از يك درصد حاکم و بدست گرفتن سرنوشت خود هستند. این جنبش عظیم علیه حاکمیت مفتخوران مدتهاست در ایران در جریان است. جمهوری اسلامی مظهر دیکتاتوری و توحش و سلطه جهنمی يك در صد مفتخور و بیکاره بر يك جامعه هفتاد میلیونی است و در برابر این حکومت و برای بزیر کشیدن آن سالیهاست کارگران و جوانان و زنان آزادیخواه مبارزه جانانه ای را به پیش میبرند. این مبارزه امروز بر متن انقلابات منطقه و جنبش ضد کاپیتالیستی اشغال بیش از پیش عمیق و گسترده میشود، به خودآگاهی و اعتماد بنفس بیشتری دست مییابد و امید و چشم انداز روشنتری برای پیشروی و پیروزی پیدا میکند. امروز جامعه ایران بر متن استیصال و درهم ریختن صفوف رژیم سرکوبگر و فاسد حاکم و با تحریم اقتصادی و تهدیدات جنگی از سوی دولتهای غربی در شرایط انفجار آمیزی قرار گرفته است. از یکسو گرانی و بیکاری و فقر بیاد میکند و از سوی دیگر دولتهای غربی و نیروهای اپوزیسیون راست به تحولات از بالا، به اعمال فشار بیشتر از طریق تحریمها و یا تهدیدات جنگی و نهایتاً حمله نظامی روی آورده اند و امید بسته اند. اما راه برون رفت از این شرایط هیچیک از اینها نیست. این تشبثات از بالای سر مردم همه بخشی از صورت مساله است و نه جزئی از راه حل مشکلات مردم. راه حل در دستان خود ما مردم است. راه ما را انقلابات منطقه و جنبش آوری را خرج خرید تسلیحات می کنند، برای پر کردن حسابهای بانکیشان هر يك از جانیان اسلامی دست به هر جنایت و چپاولی می زنند. افزایش قیمت دلار و سکه و گرانت شدن هر قلم کالای مصرفی، درهایی هستند که به روی این آدم کشان برای چپاول و خانه خراب کردن مردم، روز بروز باز می شوند. جمهوری اسلامی بدون وجود این شرایط و تداوم وضعیت موجود نمی

از صفحه ۱

جهانی اشغال بیش از هر زمان دیگری روشن کرده است. باید جمهوری اسلامی را بقدرت انقلاب خود، بقدرت خیزش یکپارچه نود و نه در صد علیه يك درصد مفتخور و فاسد و جانی حاکم، بزیر بکشیم و اداره امور جامعه را خود بدست بگیریم. تجربه انقلابات منطقه بما نشان میدهد که حتی سخت جان ترین دیکتاتورها در برابر اتحاد و عزم و اراده توده مردم تاب مقاومت ندارد و جنبش اشغال بما می آموزد که ما توده نود و نه درصدی مردم میتوانیم با متشکل شدن در مجامع عمومی نه تنها مبارزه قدرتمندی را علیه يك درصد حاکم به پیش ببریم بلکه خود اداره امور جامعه را بدست بگیریم. عرصه سیاست در ایران میعادگاه جنبش ضد کاپیتالیستی اشغال و انقلابات ضد دیکتاتوری در منطقه است. يك در صد حاکم بر ایران مافیای اقتصادی ای است که از وال استریت خود با شمشیر اسلام و با شلاق و سنگسار و اعدام و قصاص محافظت میکند. این دستگاه فاسد غارت و جنایت را باید از بیخ و بن در هم کوفت و بجای آن نظام سیاسی و اجتماعی ای نشانند که در آن نه از قوانین اسلامی و اعدام و سرکوب و بیحقوقی نشانی باشد و نه از ریاضت کشی اقتصادی و فقر و بیعدالتی اجتماعی و تبعیض طبقاتی. نظامی که بر سلطه يك در صد مفتخور حاکم و کل نظام اقتصادی و ماشین سرکوب دولتی اش یکبار برای همیشه خاتمه دهد و رفاه و آزادی و برابری را برای همگان به ارمغان بیاورد. به امید اینکه سال تازه سال بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و سال خلع يد از يك درصدیها در ایران و در چهارگوشه جهان باشد. حمید تقوایی - دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران،

تواند سرپا بماند. در نتیجه این وضعیت پایانی نخواهد داشت مگر اینکه همین میلیونها انسان که امروز زیر بار فقر ناشی از دزدیها و چپاول آشکار سران رژیم جان به لب شده اند، به خیابان بیایند و با انقلاب خود حکومت جانیان را سرنگون کنند و تک تک سران و عوامل آن را محاکمه و مجازات نمایند و حکومت خود را بر جامعه حاکم کنند.*

لودگی در درون مجلس اسلامی، ...

از صفحه ۱

می خواست از این فرصت استفاده کند و به مقابله مجلسیان برود. اصرار سوال کنندگان بر طرح سوال ها و درخواست پاسخ می توانست پای ولی فقیه و بیت او را به میان بکشد و این می توانست خشم رهبری را متوجه سوال کنندگان کند. احمدی نژاد بارها با اشاره به مواردی از قبیل "برخی خودی ها که میلیارد ها سکه خریدند" و اشاره به دخالت "بیت رهبری" و سایر دست اندرکاران نظام، در دزدی های کلان، مطمئن بود که در عرصه هایی نظیر حضور در مجلس و پاسخگویی به سوالات، کسی برایش دردسر درست نخواهد کرد. سه روز قبل از آن یعنی در روز ۲۱ اسفند احمد توکلی و ۶ نفر دیگر از اعضای جناح اصولگرای مجلس که این نکته را تشخیص داده بودند، در بیانیه ای پیشنهاد کردند که بجای طرح سوال رئیس جمهور به مجلس دعوت شود و نمایندگان با دولتمردان به گفتگو نشینند.

جلسه روز ۲۴ اسفند مجلس اسلامی تبدیل به صحنه قدرت نمایی احمدی نژاد شد. علی مطهری از موضعی ضعیف در ابتدا به تعریف و تمجید از احمدی نژاد پرداخت و سپس سوال ها را مطرح کرد. مقدمه چینی های مطهری قبل از طرح سوال این اطمینان را می داد که پاسخ رئیس جمهور هر چه باشد، استیضاح و پیامد دیگری نخواهد داشت. احمدی نژاد با گفتن اینکه: "شب عید است و کمی شوخی کنیم"، از همان ابتدا نشان داد که قصد دست انداختن مجلس را دارد. او با لودگی و مسخره کردن اعضای مجلس به هیچ سوالی پاسخ نداد و در مقابل طراحان سوال ها را بیسواد خطاب کرد و گفت "اگر از خودم می پرسیدید سوالات بهتری میدادم". او از فرصت استفاده کرد تا سرکوب ها را به گردن جناح مقابل بیندازد و در مقابل مخالفت با طرح حجاب و عفاف گفت: "ما از آبروی مردم دفاع کردیم و گفتیم گیر سه پیچ به دختران و پسران ندهید. ... آقا مگر می شود هر وقت که انتخابات و ۲۲ بهمن است، ما دوربین را میان همه تیبها ببریم، زوم کنیم و آنها را جلو بیآوریم، اما به محض اینکه این دوران گذشت، همینها را در آنور یقه شان را بگیریم؟" این سخنان احمدی نژاد را می توان اعتراف به ترس و وحشت رژیم در مواقع بحرانی نظیر

تلخ و فراموش کنند، ادامه پرداختن به این موضوع، هیچ فایده ای جز کشمکش های بیپوده و فرسوده کردن اعصاب ها ندارد. "و به رئیس جمهور هشدار داد که "توهین به مجلس بی هزینه نخواهد بود".

جلسه حضور احمدی نژاد در مجلس بار دیگر شکاف و اختلاف رو به تزاید درون حکومت را نشان داد. او در هفته گذشته تلاش دیگری برای محکم ساختن موقعیت خود انجام داد و "هیئت نظارت بر اجرای قانون اساسی" را منصوب کرد. این هیئت در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی درست شد و در همان زمان شورای نگهبان که تحت کنترل خامنه ای بود، با آن مخالفت کرد. احمدی نژاد در اولین روزهای دوره اول ریاست جمهوری خود، این هیئت را منحل کرد، تا بیعت خود را با رهبر تکمیل کرده باشد. راه اندازی مجدد این هیئت استفاده از یک اهرم قدرت دیگر در مقابل باند خامنه ای و افزایش ابعاد کشمکش را نشان می دهد. احمدی نژاد می تواند امید داشته باشد که با این کار بازماندگان نیروی در هم شکسته و به هم ریخته اصلاح طلبان را به خود جلب کند. بازسازی هیئت نظارت بر اجرای قانون اساسی بلافاصله با مخالفت صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه رژیم روبرو شد و او آن را غیر قانونی دانست و اعلام کرد که "قوه قضائیه اجازه ورود بازرسان و اعضای این هیئت به دستگاه قضایی را نخواهد داد". شورای نگهبان هم مخالفت خود را با این هیئت اعلام کرده است.

خامنه ای هم با ابقای هاشمی و رفسنجانی در ریاست مجمع تشخیص مصلحت به او حق السکوت داد تا مانع مخالفت های احتمالی او و طرفدارانش شود و مانع پیوستن آنها به جناح مقابل شود. این مجمع برای حل اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان درست شده و با توجه به اینکه این هر دو ارگان تحت کنترل خامنه ای است، عملاً نقش مهمی نمی تواند داشته باشد و فعلاً خطری از جانب آن متوجه ولی فقیه نیست.

جلسه پاسخ به سوالات احمدی نژاد در مجلس اسلامی و سایر وقایع چند روزه اخیر از طرفی عمق اختلافات درون رژیم و از طرف دیگر وحشت رژیم از خیزش مردم را نشان می دهد. تلاش های سران نظام برای عادی نشان دادن وضعیت بیفایده است. کتک کاری چماق دارهای دو بال

نظام در مقابل مجلس شکننده بودن وضعیت و احتمال جدی بروز دعوا های شدیدتر را نشان می دهد. هر دو جناح رژیم می دانند که حذف جناح مقابل رژیم را بیشتر ضربه پذیر خواهد کرد؛ اما در عین حال قادر به سازش هم نیستند. بحران عمیق اقتصادی و نارضایتی و خشم مردم امکان سازش در درون حکومت را از بین برده است. موقعیت رژیم روز بروز ضعیف تر و شکننده تر می شود. این را بخوبی از سخنان رئیس جمهور آن در مقابل مجلسیان در روز ۲۴ اسفند میتوان دریافت. سخنان احمدی نژاد گرچه حریفان مجلس نشینش را منکوب کرد اما این سخنان شکنندگی و چننه خالی حکومت اسلامی را هم نشان داد. احمدی نژاد

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی
کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا به مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

۳۳ سال جنایت علیه کودکان

مهراب دشتی، از ایران
سال ۱۳۹۰ باهمه ی خوب و بدش دارد به پایان می رسد. در این روزهای واپسین سال ۹۰ نمی خواهم به سبک و سیاق ژورنالیست ها که معمولاً به بررسی یک موضوع در طول سال می پردازند با این تیتراهای کلیشه ای که مثلاً: "فوتبال در سالی که گذشت"، "وامثال آن"، مساله ای را به صورت تقویمی رصد کنم بلکه قصد دارم بنا به اهمیت موضوع کودکان و زنان و ازدواج های نابهنگام کودکان، چندکلمه در این رابطه بنویسم. کودک آزاری، رفتاری جنایتکارانه و ضدانسانی است که در جوامع سرمایه داری و طبقاتی وجود دارد و محصول این نظام نابرابر بوده و لکه ی ننگی است بر پیشانی رژیم های مدعی دموکراسی و مدافع حقوق بشر. سرمایه داری به کمک تئوری پردازان و روشنفکران روزنامه نگاران و ژورنالیست های خود این گونه آموزش می دهد و گوش همگان را از تنوری های بظاهر علمی و روان شناختی و حقوقی خود می انبارد که کودک آزاری فقط در آزار و اذیت جسمی کودکان خلاصه می شود که نمونه های عینی و آشکار آن، تنبیه و کتک و شکنجه هستند. بعضی از این نویسندگان و به اصطلاح فعالین حقوق کودکان هم گاهی ناپرهیزی می کنند و یا از گلیم خود فراتر می گذارند و آزار جنسی و تجاوز را هم به منزله ی کودک آزاری تلقی می کنند. اما امروز دیگر به یمن پیشروی آگاهی و تعلق انسان و سوسیالیستی و تلاش های فعالین حقوق کودکان، کار کودکان نمونه ای از کودک آزاری است. امروز دیگر جنگ به عنوان جنایتی سازمان یافته ی دولت ها، بیشتر از هر چیز کودکان را آواره و گرسنه و مبتلا به بیماری های جان کاه می کند و از این منظر کودک آزاری قلمداد می شود. امروز دیگر فقر به سبب آن که فرصت یک زندگی انسانی را از کودک، می گیرد، کودک آزاری است. و امروز دیگر ازدواج کودکان نزد وجدان های بیدار میلیارد ها انسان آزاده و ترقی خواه از آن جا که بیشترین آسیب های جسمی و روحی و روانی را به کودکان

می رساند، نمونه ی بارز کودک آزاری تلقی می شود.

آمارهای رسمی در ایران حاکی از آن است که این نوع کودک آزاری در سال های اخیر رشد دامنه داری پیدا کرده است. بنا به گفته ی یکی از اعضای انجمن دفاع از حقوق کودکان با لحنی هشدار دهنده به افزایش ازدواج دختران زیر ۱۰ سال اشاره می کند. به گفته ی وی در سال ۸۸، تعداد ۴۴۹ مورد ازدواج دختر بچه های زیر ۱۰ سال در ادارات ثبت احوال ثبت شده است. این رقم در سال ۸۹ به ۷۱۶ مورد افزایش یافته است. آمارهای رسمی ثبت احوال کشور حکایت از این دارد که در طول سال ۸۵ تعداد ۳۳ هزار و ۳۸۳ ازدواج دختران زیر ۱۵ سال صورت گرفته و این رقم در سال ۸۶ به ۳۵ هزار و ۹۳۱ مورد افزایش یافته است. در سال ۸۷، ۳۷ هزار و ۹۹۶ مورد ازدواج دختران زیر ۱۵ سال به ثبت رسیده و در سال ۸۹ این رقم از مرز ۴۳ هزار و ۴۵۹ مورد گذشته است.

کارشناس یاد شده می گوید که در طول سال های گذشته آمار ازدواج های زیر ۱۵ سال نسبت به کل ازدواج های ثبت شده به میزان ۴۵ درصد رشد کرده است. اعلام برتتا ژنی این آمارها از سوی کارشناسان دولتی، عادت اداری است که طبق وظیفه صورت می گیرد. بدون آن که راه حلی پیشنهاد شده باشد و یا ریشه ی این جنایت افشا شود و عاملین آن مورد خطاب و عتاب قرار بگیرند. اولین سوال ساده که کل ماهیت حکومت و ارتجاع و توحش آنرا برملا میکند همین است که این نوع به اصطلاح ازدوجها در این مملکت قانونی و مجازند. یعنی تجاوز به کودکان فقط در صورتی که تجاوزگر آنرا در اداره ثبت ازدواج ثبت کند مجاز است. از همینجا میتوان به ریشه تمام این ماجرای کثیف که یک نظام ضد انسانی و یک حکومت مرتجع عهد عتیقی است پی برد. در پشت این آمارهای ساده، جهنمی دهان گشوده است که زندگی انسان ها را می بلعد. کافی است به رقم های ازدواج کودکان در سال ۸۹ با دیدی واقعی تر نگاه کنیم. در این

سال در واقع ۷۵۹۹۲ کودک قربانی جهل و توحش جمهوری اسلامی شده اند. حال اگر بچه هایی را که از این ازدواج ها به دنیا می آیند به این آمار اضافه کنیم، عمق کودک آزاری بیشتر می شود. این آمار رسمی است که رو به جامعه و از زبان دولت اعلام شده است. در حالی که عمق فاجعه، خیلی بیشتر از این هاست و مانند بسیاری از آمارها مانند نرخ تورم، مانند آمار بیکاری، مانند آمار کودکان خیابانی، مانند آمار تن فروشی و مانند آمارهای فراوان دیگری که اگر بطور واقعی اعلام شوند، چهره ی کثیف و ضد انسانی رژیم جهل و جرم و جنایت جمهوری اسلامی را بیشتر نشان خواهند داد. ازدواج کودکان کودکی را از آن ها می گیرد. بازی را از آن ها می گیرد. شادی را از آن ها می گیرد. ازدواج کودکان نه تنها کودکی را از آن ها سلب می کند، جوانی و میانسانی و بقیه و همه ی اوقات عمر را از کودکان می گیرد و این جاست که در ردیف جنایت علیه بشریت قرار می گیرد. سرمایه داری حاکم بر ایران با روینای اسلامی و شریعت ضد زن خود به ازدواج دختران زیر ۱۰ سال و زیر ۱۵ سال دامن می زند و آنرا تضمین عفاف و حرمت زن می داند و یا هزار وسیله ی تبلیغی و ترویجی به خورد مردم فقیر می دهد. مردم فقیر هم از روی ناچاری و برای رفع بخشی از فقر خود مجبور می شوند تا دختران خردسال شان را به نام ازدواج در حقیقت بفروشند تا بلکه یک نان خور از روی سفره شان کم شود. و همین موضوع حربه ای در دست مردان شهوتران قرار می دهد. شریعت این وضعیت را مسبوق به رسوم خرافه ای مانند جشن تکلیف می کند و از این طریق ذهن جامعه ی مرد سالار و اسلام زده را برای آزار جنسی و جسمی کودکان آماده می کند. نظام کودک ستیز و ضد زن اسلامی با دستاویز قرار دادن بلوغ زودرس دختران در حقیقت چوب حراج به زندگی کودکان می زند. صنعت مذهب در راستای رفتار سرمایه دارانه اش از کالای سکس کودکان بیشترین سود را می برد. انقلاب مردم ایران، بطور قطع تجاوز و

اعلامیه حزب کمونیست کارگری در مورد حداقل دستمزد سال ۹۱ کارگران دستمزد های خط بردگی را نخواهند پذیرفت

شورای عالی کار جمهوری اسلامی اعلام کرد که حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۱ با افزایش ۱۸ درصد معادل ۳۸۹ هزار و ۷۵۴ تومان خواهد بود. برای همه از دولتی ها و شوراهای اسلامی شان تا کارگران و مردم محروم روشن است که این رقم چندین بار از خط فقر تعیین شده توسط حکومت هم کمتر است و با توجه به تورم لجام گسیخته این یعنی قدرت خرید کارگران از سال قبل نیز به مراتب پائین تر خواهد بود. این تصمیم بیشرمانه مشتی مفتخور و جنایتکار برای تحمیل یک بردگی مطلق به اکثریت جامعه است و کارگران آنرا نخواهند پذیرفت.

دستمزدها باید چندین برابر شود، همانطور که قیمت نان و برق و گاز و سوخت چند برابر شده است. در شرایطی که اعتراضات توده ای و قدرتمندی در سراسر دنیا علیه یک درصدی های حاکم و علیه تعرض آنها به سطح معیشت اکثریت مردم به راه افتاده است، در شرایطی که مبارزه برای افزایش دستمزد و سایر خواست های حق طلبانه در مراکز کلیدی و مهم کارگری در ایران گسترش یافته و کل جامعه در آستانه انفجار قرار دارد و جمهوری اسلامی در بحران همه جانبه ای دست و پا میزند، بیش از هر زمان زمینه برای ایجاد یک صف بندی قدرتمند علیه سرمایه داری و حکومت اسلامی آن مهیا شده است. امروز برای همه مردم ایران روشن است که تا جمهوری اسلامی هست، زندگی اکثریت مردم

در شرایطی که اعتراضات توده ای و قدرتمندی در سراسر دنیا علیه یک درصدی های حاکم و علیه تعرض آنها به سطح معیشت اکثریت مردم به راه افتاده است، در شرایطی که مبارزه برای افزایش دستمزد و سایر خواست های حق طلبانه در مراکز کلیدی و مهم کارگری در ایران گسترش یافته و کل جامعه در آستانه انفجار قرار دارد و جمهوری اسلامی در بحران همه جانبه ای دست و پا میزند، بیش از هر زمان زمینه برای ایجاد یک صف بندی قدرتمند علیه سرمایه داری و حکومت اسلامی آن مهیا شده است. امروز برای همه مردم ایران روشن است که تا جمهوری اسلامی هست، زندگی اکثریت مردم

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ اسفند ۱۳۹۰، ۱۵ مارس ۲۰۱۲

کودک آزاری و شکنجه و تجاوز به کودکان را به عنوان یکی از مصادیق جنایت علیه کودکان گنجانده و بر آن پافشاری خواهد کرد.*

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

فرزاد احمدی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران در شهر سنندج دستگیر شد



به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران (سایت اتحاد) فرزاد احمدی از فعالین کارگری و عضو این اتحادیه روز ۱۸ اسفند در محل کار خود توسط مامورین امنیتی دستگیر و به ستاد خبری اطلاعات این شهر انتقال یافت. در اعتراض به این دستگیری روز ۲۲ اسفند از ساعت ده صبح خانواده فرزاد به همراه تعدادی از دوستان وی در مقابل ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج دست به تجمع زده و خواهان آزادی وی شدند. بدنبال این حرکت اعتراضی مامورین این ستاد تلاش کردند که معترضین را آرام کنند اما تجمع کنندگان به اعتراض خود ادامه دادند. و نهایتاً پس از ارتباط تلفنی فرزاد با خانواده اش به تجمع خود پایان دادند و اعلام کردند که چنانچه تا آخر هفته وضعیت وی روشن نشود و از زندان آزاد نگردد بار دیگر در مقابل ستاد خبری شهر تجمع خواهند کرد.

گفتنی است که جمهوری اسلامی روز ۱۸ اسفند پندرام نصراللهی یکی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری را نیز دستگیر کرد. همچنین صدیق کریمی عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در شهر سنندج همچنان در بازداشت بسر میبرد و شریف ساعد پناه و

مظفر صالح نیا دو عضو دیگر اتحادیه آزاد کارگران ایران، قرار است در ۲۵ اسفند محاکمه شوند. تجمعات خانواده های دستگیر شدگان و همراهی مردم سنندج با آنان تنها راه موثر برای آزادی دستگیر شدگان از زندان و جلوگیری از احضارها و فشار دائمی بر روی فعالین کارگری و فعالین عرصه های مختلف مبارزه است. باید وسیعاً به تجمع و اعتراض خانواده فرزاد احمدی پیوست و آرا همراهی کرد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۳ اسفند ۱۳۹۰، مارس ۲۰۱۲



کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com

شهلا دانشفر

00447779898968

بهرام سروش

bahram.soroush@gmail.com

0044-7852 338334

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

اند. بیکاری وسیع، گرانی و حشتناک، دستمزدهای ناچیز و نپرداختن دستمزدها برای ماههای طولانی، فضای انفجاری ایجاد کرده و شرایط تازه ای بوجود آورده است. این شرایط با گذشته متفاوت است و زمینه به حرکت درآمدن توده ای و وسیع مردم کارگر و زحمتکش علیه این شرایط بوجود آمده است. اینرا باید به یک گفتمان در مراکز و محلات کارگری تبدیل کرد. حمایت از اعتصابات و تجمعات مختلفی که در شهرها شکل میگیرد و شرکت وسیع خانواده های کارگری در این تجمعات را باید به یک روش معمول این مبارزات تبدیل کرد. خشم و اعتراض در میان کارگران، معلمان و سایر کارمندان زحمتکش، بازنشستگان، زنان و جوانان در حال شعله ور شدن است و این به عهده رهبران کارگری و کمونیست ها و آزادیخواهان است که با توجه به این شرایط آنها را برای حرکات بزرگ آماده کنند و سازمان بدهند. اول مه روز جهانی کارگر در راه است باید این نیروی عظیم را از هم اکنون آماده کرد و سازمان داد. اول مه امسال باید در تدارک به حرکت درآوردن میلیونی کارگران و مردم و سازماندهی این نیروی عظیم در سراسر کشور بود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ اسفند ۱۳۹۰، مارس ۲۰۱۲

در رابطه با حرکت اعتراضی کارگران کشت و صنعت شوشتر حزب کمونیست کارگری ایران طی اطلاعیه در ۲۳ اسفند سخنی با فعالین کارگری در جنوب کشور داشته که در آن آمده است:

خطاب به کارگران پیشرو و رهبران کارگری در جنوب کشور

در ماههای اخیر دهها هزار کارگر در مراکز کلیدی و مهمی در جنوب کشور دست به اعتصاب و اعتراض زده اند و این اعتراضات به اشکال مختلف جریان دارد. خواست های میلیون ها نفری پاسخ مانده و اعتراض و اعتصاب هرروزه در جریان است. کارگران لوله سازی خوزستان، پارس جنوبی و پایبندان و پتروشیمی کاپیان در عسلویه، کارگران اخراجی و بخش خدمات پالایشگاه آبادان، کارگران شهرداری اهواز و شوشتر، اروند جنوب در آبادان، ملوانان بوشهر و اعتراضات هزاران کارگر پتروشیمی های ماهشهر از جمله مراکزی هستند که در ماههای اخیر برای افزایش دستمزدها، علیه نپرداختن دستمزدها، علیه اخراج و با خواست برچیدن شرکت های پیمانی و با خواست های عادلانه دیگری دست به اعتصاب و تجمعات اعتراضی زده

حمایت میکنند. کارگران بارها وعده های مقامات را شنیده اند. دولت سعی میکند وقت بخرد، میان کارگران نی بر و سایر کارگران شکاف بیندازد و از اجرای وعده های خود سر باز زند. تنها موقعی این وعده ها عملی میشود که کارگران برای عملی شدن آنها زمان مشخصی تعیین کنند و در صورت برآورده نشدن بموقع خواست های خود، آماده اعتصاب باشند. حزب کارگران را فرامیخواند مجمع عمومی خود را منظمآ تشکیل دهند و اجرای این وعده ها را پیگیری کنند. مجمع عمومی کمک میکند که جلو توطئه های مقامات و ایجاد شکاف میان کارگران بخش های مختلف کشت و صنعت گرفته شود و جلو وقت خردن مسئولین نیز گرفته شود.

لازم به توضیح است که کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوشتر در روزهای ۲۵ تا ۲۷ دیماه نیز دست به اعتصاب قدرتمندی زدند و تمام شرکت را به تعطیلی کشاندند. خواست کارگران برقراری بیمه و احتساب کار آنها بعنوان کار سخت و زیان آور بود که با وعده های معاون وزیر کار اعتصاب پایان یافت.

حزب کارگران را فرامیخواند که همراه با خانواده های خود، همراه با سایر کارگران معترض از جمله کارگران شهرداری و سایر مردم آزادیخواه خود را برای برپائی مراسم روز جهانی کارگر آماده کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۴ اسفند ۱۳۹۰، مارس ۲۰۱۲

۳۰۰۰ کارگر کشت و صنعت شوشتر ... از صفحه ۱

است که کار آنها حتی از نظر خود دولت سخت و زیان آور محسوب میشود.

بنا به خبر، یابری مدیر کل "دفتر حمایت از پایداری مشاغل و بیمه بیکاری" با حضور در جمع کارگران گفت: "تا اواخر سال جاری بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران بازنشسته خواهند شد. شغل نی بر تماماً سخت و زیان آور است و تمامی قوانین و امور کاری و بازنشستگی کارگران نیز بر اساس ضوابط شغل های سخت و زیان آور بررسی میشود. جلساتی با حضور نمایندگان از وزارتخانه و صندوق تامین اجتماعی برای پیگیری این موضوع تشکیل و مقرر شد که شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر ما به التفاوت و بار مالی هزینه ها را به حساب صندوق واریز کند تا سابقه کارگران تکمیل شود. شرکت کشت و صنعت کارون باید در اسرع وقت این هزینه ها را پرداخت کند تا کارگران دغدغه پیوستگی کاری نداشته باشند." درمورد طرح طبقه بندی مشاغل نیز قول داد که این طرح انجام میشود تا حقوق کارگران افزایش یابد. کارفرمایان نیز موظف به پرداخت حق بهره وری هستند که شامل دو سه ماه گذشته نیز خواهد شد.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواست های کارگران کشت و صنعت کارون شوشتر

آنها داده شد به اعتصاب پایان دادند اما تاکید کردند در صورتی که خواست آنها مبنی بر اجرای طرح طبقه بندی مشاغل اجرا نشود، اینبار ۵۰۰۰ کارگر این شرکت دست به اعتصاب و راهپیمائی خواهند زد.

۳۰۰۰ کارگر نی بر روز دوم اعتصاب از کمپ نی برها به سمت شهرستان شوشتر دست به راهپیمائی زدند. نیروی انتظامی و گارد ویژه تلاش زیادی کرد که مانع راهپیمائی کارگران شود اما کارگران وقعی نهند و تا ساعت ۲ بعدازظهر جاده را در کنترل خود گرفتند. نیروی سرکوب با افزایش نفرات نهایتاً جلو راهپیمائی کارگران به شهر شوشتر را گرفت اما نمایندگان کارگران به اداره کار شوشتر مراجعه کردند و پس از آنکه نماینده وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی قول رسیدگی به خواست های کارگران داد، کارگران موقتاً به اعتصاب پایان دادند. خواست های

کارگران عبارت است از: اجرای فوری طرح طبقه بندی مشاغل، تعیین تکلیف بازنشستگی کارگرانی که ۳۰ سال سابقه کار دارند، اضافه حقوق، حق بهره وری و مزایای دیگر.

از آنجا که کارگران نی بر بصورت فصلی شش ماه از سال کار میکنند در نتیجه مجبورند ۶۰ سال در این مرکز کار کنند تا شامل حق بازنشستگی شوند و این در حالی

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی

بدل میشود!

انقلاب مردم سوریه یکساله شد!

محمد شکوهی

این هفته یک سال از آغاز انقلاب مردم سوریه برعلیه رژیم اسد گذشت. یک سال پیش در چنین روزهایی بعد از پیروزی انقلاب مردم تونس و آغاز انقلاب مصر، مردم سوریه اولین تظاهرات های ضد رژیمی را در شهرهای درعا، حماه و بانیاس و حصص آغاز کردند. رژیم اسد که سراسیمه از آغاز "بهار عربی" و تاثیرات آن بر این کشور شده بود، با تمام توان ویریریت و وحشیگری اش اعتراضات مردم را در این شهرها سرکوب کرد. صدها نفر را کشت و بیش از ۲۰۰۰ نفر را رخمی و ۳۰۰۰ نفر را دستگیر کرد. رژیم به خیال اینکه با این سیاست بتواند سرکوب و ارباب را بر جامعه تحمیل کند، وسیعترین دستگیریها و سرکوبها را در دستور خود گذاشت. اما سرکوبها کارساز نشد و با پیروزی مردم مصر و لیبی و تونس، آتش انقلاب بر علیه رژیم اسد، شعله ورت شد. بلافاصله موج پیروزی مردم در کشورهای نامبرده کل اوضاع منطقه را به نفع انقلابات مردم و بر علیه رژیم های دیکتاتوری فرا گرفت. از اواسط ماه سپتامبر سال گذشته گروههای مخالف رژیم اسد به همراه تشکل های توده ای و مردمی، نظیر کمیته های محلات و شهرها اعلام موجودیت کردند. تقریباً در تمام شهرهای بزرگ سوریه مردم وسیعاً به صحنه مبارزه برای به زیر کشیدن رژیم اسد وارد شدند. در اولین روزهای اکتبر سال گذشته فراخوانهای اعتصابات سراسری و عمومی برای به زیر کشیدن رژیم از طرف گروهها و تشکل های مخفی مردمی داده شد. بزرگترین تظاهراتهای میلیونی در پاسخ به این فراخوانها در بیش از ۱۲۰ شهر و شهرک برعلیه رژیم اسد آغاز گردید. همزمان رژیم اسد با همکاری جمهوری اسلامی و برای سرکوب انقلاب مردم دست به تعرض زد. در شش ماه اول انقلاب بیش از ۴۰۰۰ نفر کشته، هزاران نفر از مردم، بویژه کودکان و زنان زخمی و بیش از ۱۵ هزار نفر دستگیر گردیدند. رژیم اسد در کنار این سرکوب های گسترده اقدام به برپایی زندانهای مخوف در اطراف دمشق کرد. هزاران نفر از دستگیرشدگان اعتراضات اخیر را



زندانی و مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داد. صدها زندانی زخمی را از بیمارستانها بیرون کشیده و در ملاعام اعدام کردند. اجساد اعدامیها را در خیابانها و مراکز اصلی شهرهای بزرگ برای ایجاد جو رعب و وحشت، به نمایش درآورد.

در نیمه دوم آغاز انقلاب موج فرار سربازان مخالف رژیم و پیوستن به صفوف مردم افزایش یافت. جانین حاکم بر سوریه برای زهر چشم گرفتن از مردم و انقلابشان، خانواده ها و وابستگان سربازان فراری از ارتش را دستگیر و زندانی و اعدام کردند. این اقدام رژیم و سبعیت و درنده خویی اش در سرکوب مردم، افکار عمومی مردم جهان و بخشها دولتهای غربی را بشدت تحت تاثیر قرار داد. آمریکا و اتحادیه اروپا در سازمان ملل قطعنامه محکومیت رژیم اسد را تصویب کردند. تحریمهای گسترده ای را علیه رژیم مخالفت چین و روسیه، بر علیه رژیم به اجرا گذاشتند. با گسترش انقلاب مردم و همه گیر شدن اعتصابات و تظاهراتهای مردم، بویژه با فرار گسترده سربازان ارتش، از حدود ۶ ماه پیش "ارتش آزاد سوریه" شکل گرفت. برای اولین بار از اوایل سال تازه میلادی "ارتش آزاد سوریه" موفق گردید بخش هایی از شهرهای حمص، ادلب، دمشق و درعا را زیر تسلط خود آورده و جنگ نظامی را بر علیه نیروهای وفادار به رژیم اسد را گسترده تر نماید.

در این میان رژیم اسد که از یک طرف زیر فشار اعتصابات و اعتراضات سراسری مردم قرار داشت، با اضافه شدن فاکتور عملیات مسلحانه "ارتش آزاد سوریه"، تمام توان و ظرفیتهای نظامی و سرکوبگریش را برای درهم کوبیدن انقلاب مردم و بویژه مقاومت مسلحانه به کار گرفت. بخش هایی از شهرهای حمص، درعا، ادلب، بانیاس و حماه که در دست مردم بود، را محاصره نمود و اقدام به نوب باران و قتل عام مردم این شهرها نمود. در ادامه بیش از دو ماه محاصره و سرکوب مردم این شهرها، بیش از ۲۰۰۰ نفر کشته و هزاران نفر زخمی گشته اند. سیاست

جویانه این اتحادیه با رژیم اسد و ساخت و پاختش با اپوزیسیون مجاز اسد، با شکست کامل مواجه گشته است. طرح ها و نقشه های از بالای سر مردم و انقلابشان و برای مهار و کنترل آن شکست خورده است. تقلاهای آمریکا غرب و کشورهای منطقه برای تحمیل "مدل یمنی" به انقلاب مردم هم با شکست روبرو خواهد شد. در هفته های اخیر در دمشق هم اعتراضات گسترده ای بر علیه رژیم برپا گردید. انقلاب مردم و مارش انقلابشان به پایتخت رژیم اسد نیز کشیده شده است. کلیت رژیم زیر فشار اعتراض و مبارزه و در یک کلام انقلاب قدرتمند مردم دارد از هم فرو می پاشد. این را بخشا جمهوری اسلامی و خامنه ای هم می دانند. جمهوری اسلامی هم می داند که رژیم اسد دارد خرد میشود. به همین خاطر وسیعترین حمایت نظامی و مالی را از اسد می کند. دهها هزار نفر از پاسداران جمهوری اسلامی به همراه نیروهای نظامی تروریستهای اسلامی وابسته به حزب الله لبنان، حماس و جنبش عمل اسلامی برای حفاظت از رژیم اسد وارد سوریه شده و در سرکوب مردم مستقیماً دست دارند. بنابر برخی اخبار تامین امنیت رژیم اسد و دم و دستگاه سرکوبگرش مستقیماً با نیروهای اعزامی جمهوری اسلامی و کارشناسانش می باشد. رژیم اسد علیه سیاستهای

حمایت جمهوری اسلامی و بخشا حمایت های دولتهای چین و روسیه دارد فرو می پاشد. این را دیگر ارتجاعی ترین رژیمهای منطقه، اوپاما و اتحادیه اروپا هم می دانند. هر آن احتمال سقوط اسد میرود.

در آستانه یکساله شدن انقلاب مردم سوریه گروههای مخالف و تشکل های مردمی برای این هفته فراخوان تظاهرات و اعتصابات عمومی را داده بودند. میلیونها نفر در دهها شهر سوریه در پاسخ به این فراخوانها به خیابانها ریختند و یکبار دیگر اعلام کردند که رژیم اسد باید برود. این یک زور آزمایی انقلاب و ضد انقلاب در سوریه بود. واکنش رژیم طبق معمول سرکوب و باز هم سرکوب بود. در این هفته بیش از ۲۰۰ نفر در ادامه اعتراضات در شهرهای مختلف سوریه کشته شدند. ولی مردم هنوز در صحنه هستند. در رابطه با یکساله شدن انقلاب مردم سوریه سازمان ملل همین هفته اعلام کرد که در یکسال گذشته بیش از ۸۰۰۰ نفر کشته و ۲۳۰ هزار نفر زخمی شده اند. اما آمار واقعی کشته شدگان بسیار بیشتر از اینهاست. در طول یکسال گذشته سرکوبها نتیجه ای ن داده است و رژیم اسد منزویتر و منفورتر از گذشته شده است. سرنگونی رژیم اسد، شکست بزرگی برای جمهوری اسلامی و کل اسلام سیاسی در منطقه و جهان خواهد بود.*

مشخصات کانال جدید

فرکانس ۱۱۶۰۴- اف ای سی ۶ / ۵ افقی

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ شبکه KBC

ساعات پخش: ۷ تا ۹ شب به وقت اروپای مرکزی

(۹ و نیم تا ۱۱ و نیم شب به وقت ایران)

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

nctv.tamas@gmail.com



اعتراضات گسترده کارگری در سطح جهان

ایتالیا: تظاهرات ۵۰ هزار تن در شهر رم

به گزارش یورونیوز روز جمعه ۹ مارس ۵۰ هزار تن از کارگران در شهر رم، پایتخت ایتالیا به دعوت اتحادیه‌های کارگری به خیابانها آمده و علیه برنامه اصلاح قوانین کار تظاهرات کردند. کارگران به سیاستهای ریاضت اقتصادی دولت که بخشی از آن مربوط به اصلاح قوانین کارگر و کارفرما می‌شود معترض هستند. یکی از تظاهرکنندگان می‌گوید: "بر سر ما همانی دارد می‌آید که پیشتر دولت برلوسکونی انجام میداد. این نخست وزیر کار نمیکند و از ما میخواهد که بیشتر و بیشتر فداکاری کنیم؛ حتی هیچ امنیت شغلی هم وجود ندارد؛ چیزی که یک حق بنیانی است." موریتسیو لاندینی، دبیرکل اتحادیه کارگران فلزکار و از سازماندهندگان این تظاهرات می‌گوید: "ما ادامه میدهیم. این آخرین تظاهرات ما نیست. امروز میخواهیم کشور را به مرحله تازه‌ای وارد کنیم. چرا که مشکلی که ما داریم اشتغالزایی است و اینکه کسانی که کار میکنند، همان کسانی هستند که این کشور را حفظ کرده‌اند."

پس از برکناری سیلیو برلوسکونی در ماه نوامبر سال گذشته، ماریو مونتی به جایگاه نخست وزیری تکیه زده و سعی دارد

تا بحران رکود اقتصادی را با اجرایی ساختن هر چه بیشتر سیاستهای ریاضت اقتصادی پشت سر بگذارد.

هلند: بزرگترین اعتصاب معلمان در ۳۰ سال اخیر

روز سه شنبه ۶ مارس در حالی که دولت مشغول بحث بر سر اینکه کاهش و یا قطع بودجه رفاهی بعدی در کدام بخش باید صورت بگیرد بود، آمستردام با مارش ۵۰ هزار معلم معترض به سیاستهای ریاضت اقتصادی دولت، روز را آغاز کرد. معلمان بیش از ۳۰۰۰ مدرسه در این اعتراض شرکت داشتند و بیش از ۱۷۰۰ مدرسه به تعطیلی کشیده شدند. بر اساس همین گزارش این بزرگترین حرکت اعتراضی معلمان در ۳۰ سال اخیر است. معلمان به کاهش بودجه برای دانش آموزانی که احتیاج به کمکهای ویژه دارند، منجمد کردن دستمزدها و افزایش ساعت کاری شان اعتراض دارند. دولت میخواهد به منظور کاهش بودجه تعداد هر چه بیشتری از این دانش آموزان بعنوان شاگردان معمولی پذیرفته شوند. آنها می‌گویند چنانچه به این دانش آموزان بی‌توجهی شود، آنها از حمایت کافی برخوردار نخواهند شد و تاثیر مستقیم بر یادگیری آنها خواهد گذشت. بعلاوه این باعث بیکاری تعداد زیادی از معلمان نیز خواهد شد.

آفریقای جنوبی: اعلام اعتصاب عمومی توسط اتحادیه کارگری Cosatu

به گزارش Daily Monitor کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی (Cosatu) در بیانیه‌ای از کارگران خواسته است که روز ۷ مارس دست به اعتصاب و تظاهرات بزنند. آنها خواهان پایان یافتن استخدام کارگران بوسیده دلان کاربایی و لغو تصمیم دولت برای دریافت پول بابت استفاده از جاده‌های کشور هستند که قرار است از اواخر آوریل به اجرا در آید. این بیانیه می‌گوید که قرار است ۲۲ راهپیمایی نیز در همان روز صورت بگیرد که از جمله آنها در کیپ تاون راهپیمایی به سمت پارلمان، در ژوهانسبورگ به سمت دفتر نخست وزیری و وزارت راه و ترابری و در دوربان به سمت شهرداری صورت خواهد گرفت.

رهبران کارگری معتقدند که این بزرگترین اعتراض در کشور آفریقای جنوبی در سالهای اخیر خواهد بود.

آلمان: اعتراض کارگران سراسر کشور را فرا گرفت

به گزارش یورونیوز تظاهرات و اعتصاب کارگران بخش خدمات دولتی روز چهارشنبه ۷ مارس به سراسر آلمان گسترش یافت. این اعتصاب با فراخوان وردی، به عنوان بزرگترین اتحادیه کارگران بخش دولتی آلمان برپا شده است. گزارشها حاکی است که اعتصاب کارگران و کارمندان خدمات دولتی در شرق ایالت بادن بورگ و نیز ایالت نورت

راین وست فالن چشمگیر است. فراخوان به اعتصاب و تظاهرات پس از آن صورت گرفت که نمایندگان وردی هفته گذشته با مقامات دولت، مذاکراتی بی نتیجه را پشت سر گذاشتند. کارگران خواستار افزایش شش و نیم درصدی دستمزدها یا حداقل افزایش ماهانه ۲۰۰ یورو به میزان درآمدشان شده‌اند. یکی از کارگران در شهر کلن می‌گوید: "آری، ما چشمگینیم چرا که همیشه کار میکنیم و اکنون هم مجبوریم که بیشتر و با تعداد همکاران کمتری کار کنیم بنابراین پول بیشتری می‌خواهیم." کارگر دیگری که در تظاهرات شرکت کرده است می‌گوید: "کسانی که کار میکنند پولی دریافت نمیکنند اما آنها را به جیب راس قرار دارند، همه پولها را به جیب میزنند. من مخالف این مساله هستم."

احتمال می‌رود که این اعتصاب تا پایان هفته به طول انجامد.

آلمان: هشدار کارگران به دولت: تمام هفته اعتصاب می‌کنیم

به گزارش یورونیوز در پی اعتصاب نزدیک به ۱۰ هزار تن از کارگران و کارمندان مشاغل بخش عمومی روز دوشنبه ۵ مارس در سه ایالت آلمان، اعتراضات کارگری به دیگر نقاط این کشور کشیده شد. اتحادیه‌های کارگری در آلمان هشدار داده‌اند که اعتصاب و تظاهرات تمام هفته به طول خواهد انجامید. آنان هدف از این اعتراض را افزایش شش

و نیم درصدی دستمزدها یا دست کم افزایش ماهانه ۲۰۰ یورو به حقوق نزدیک به دو میلیون کارگر عنوان کرده‌اند. یکی از کارگران می‌گوید: "کارفرمایان همواره به ما از بحران اقتصادی می‌گویند. کارمندان متاهلی هستند که دو فرزند دارند و مجبورند پس از پرداخت مالیات با ۱۴۰۰ یورو در ماه زندگی کنند. این غیرقابل تحمل است." وی تصریح کرد: "حتی اگر بحران هم باشد ما همچنان در حال پرداخت مالیات بر درآمد قابل توجهی هستیم. پس چه وقت باید خواهان دستمزدها بیشتر باشیم؟" معترض دیگری در شهر هامبورگ می‌گوید: "خیلی ناراحت کننده است که آنها هیچ پیشنهادی به ما ندادند. تنها می‌گویند که مطالبات شما بسیار زیاد است و ما مذاکره نخواهیم کرد." هانس پتر فردریش، وزیر کشور آلمان هفته گذشته مذاکره با اتحادیه‌های کارگری را سخت توصیف کرد و گفت که مطالبات کارگران بر اساس واقعیت نیست. توماس بول، نماینده مذاکره کننده از سوی شهرداریها نیز گفته است که با بدهی ۱۲۹ میلیارد یورویی، دولتهای ایالتی با بیشترین کمبود رو برو شده‌اند. وی بر این اساس نتیجه گرفته است که مطالبات اتحادیه‌های کارگری تحقق پذیر نیست.

(برگرفته از کارگر کمونیست شماره ۲۰۰)

کرمانشاه ۱۵۰۰ کارگر قراردادی که از طریق شرکت واسطه‌ای نیکو سر برای کارخانه راکتور سازی مینا واقع در شهر صنعتی "مورچه خورت" اصفهان کار میکردند، بعد از مدت‌ها مبارزه متحدانه موفق شدن مدیریت را عقب برانند و از یک ماه قبل به استخدام مستقیم شرکت مینا در آمده‌اند. این عقب نشینی به معنی کوتاه شدن دست پیمانکاران مفت خور از این شرکت و بهبود دستمزدها کارگران است.

همدان تجمع کردند. این کارگران دلیل اعتراض خود را تحمیل قراردادی عنوان کردند که بر اساس آن نه تنها هیچگونه حقی نسبت به ۴ ماه حقوق معوقه خود نخواهند داشت، بلکه حقوق و مزایای عادلانه‌ای هم برای ادامه کار در آن قرارداد دیده نمی‌شود.

استخدام مستقیم یک موفقیت برای کارگران در شرکت مینا

بنا بر خبر منتشر شده در سایت انجمن صنفی کارگران برق و فلز

کردیم که پیگیر مشکلاتمان باشیم.

تعطیلی کارخانه چکیده صنعت ساوجبلاغ و بیکاری ۱۰۰ کارگر

کرمعلی سامانی پور، دبیر اجرایی خانه کارگر رژیم در ساوجبلاغ گفته است کارخانه چکیده صنعت تعطیل شده و بیش از ۱۰۰ کارگر این کارخانه تولید کننده چرم دور شیشه اتومبیل، در حال حاضر در بلا تکلیفی بسر برده و خواستار دریافت مطالبات معوقه خود هستند.

کارگران ذوب آهن اسدآباد در مقابل استانداری همدان تجمع کردند

کارگران ذوب آهن اسدآباد در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه خود در مقابل استانداری

چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران

اعتراض کارگران قند ورامین به عدم پرداخت حقوق

کارگران کارخانه قند ورامین که ۵۰۰ کارگر دارد، نسبت به عدم پرداخت حقوق‌های معوقه در چند روز مانده به عید اعتراض کرده‌اند. این کارگران بارها نسبت به پایین بودن میزان حقوق خود و همچنین عقب بودن حقوق‌ها و محروم بودن از یکسری مزایا منجمده دادن لباس کار، کفش، دستکش، دست به اعتراض زده و خواهان برسمیت شناختن حداقلهای حقوق خود بودند. یکی از این کارگران گفت: حقوق ما در این کارخانه بسیار پایین است. کارگرانی که حتی بیش از ۲۰ سال سابقه کار در کارخانه دارند با همه

اضافه کاری و غیره، در حال حاضر حدود ۵۰۰ هزار تومان می‌گیرند. وی افزود: دوستانمان انبوهی نامه نگاری داشته‌اند و به همه جا گفتیم و پیگیری کردیم ولی متاسفانه هیچ کسی نیست که حتی یکبار از ما مشکل را سوال کند.

کارگران سیمان فیروز کوه برای حل مشکل خود به استانداری مراجعه کردند

یکی از کارگران سیمان فیروز کوه روز گفت: مدت ۸ سال است با حقوق و مزایای ناچیز مشغول به کار هستیم و هیچ تغییری در وضعیت کاری ما پیش نیامده است و امروز به همین خاطر به استانداری مراجعه

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

گزارشاتی از چهارشنبه سوری در چند شهر مختلف

تظاهرات و شعار مرگ بر دیکتاتور توسط جوانان

تهران:

چهارشنبه سوری در تهران گسترده بود. واقعا روز اعتراض گسترده و هزاران نفره مردم بود. زن و مرد، دختر و پسر در خیابان بودند و با نیروی انتظامی درگیر میشدند. من از بهبودی گزارش میدهم و درود میگیرم به این مردم و از همه تشکر میکنم که در برابر رژیم تا به دندان مسلح چنین گسترده به اعتراض بلند شدند. اینکه مردم چنین فراوان به خیابان آمدند، مساله فقط شادی کردن نبود. وگرنه يك بوته آتش میزدند و از رویش میپربیدند، مردم درد دارند. بیکارند. گرسنه اند، معتاد دارند برای همین برای اعتراض به خیابان آمدند. فقط بهبودی نبود، رودکی، آذریایجان، تهران پارس و خیلی محلات وضع همینطور بود. حتی در جاهایی مثل نارمک و تهران پارس و شهرک غرب و فلکه آریا شهر جوانان بر اوضاع مسلط بودند. احمد رادان معاون نیروی انتظامی رسماً اعلام کرد که تهران خلوت بوده و خبری نبوده است. اما صدای ترقه و شعله آتش همه جا برپا بود. در مسجدیه مردم يك کیوسک پلیس را آتش زدند. در خیابان پیروزی يك پراید نیروی انتظامی را آتش زدند. خیلی جاها سطل اشغال ها را آتش زدند. توی خیابان صدای موزیک را بلند کردند و دختر و پسر جشن و شادی کردند. اطراف تهران هم وضع همینطور بود. در شهریار، ورامین، اسلام شهر دوستان من بودند و میگفتند که چگونه با نیروی پلیس درگیر شدند.

گرمانشاه:

رژیم اسلامی در طی هفته های اخیر تمام ارگان ها و رسانه هایش را در اختیار گرفت تا چهارشنبه سوری بی خطری را پشت سر بگذارد و با توجه به اطلاعیه ها و بیانیه های کاربدستان و مفت خوران حکومتی می شد این رعب و وحشت را ملاحظه کرد. امروز عصر حوالی ساعت ۴ تمام خیابان های اصلی و مکان های عمومی به دست نیروهای نظامی سرکوبگر اشغال شده بود بطوری که به هیچ عنوان اجازه ی عبور و مرور به هیچ جنبه ای نمی دادند. درب ورودی پارک شرقی که یکی از پارک های اصلی

گرمانشاه و هر ساله محل تجمع عده ی زیادی از مردم بوده را از ساعت ۶ بسته و عملاً حکومت نظامی اعلام نشده رابه عمل گذاشتند! اما زهی خیال باطل. هیچ حکومت مستبد و دیکتاتوری در طول تاریخ نتوانسته جلوی اراده ی مردمی را بگیرد! مردم انقلابی حوالی ساعت ۷ دسته دسته و گروه گروه خود را به خیابان ۶ بهمن میدان مرکزی رسانده و کمتر از ۱ ساعت جمعیتی ۵۰۰ نفره میدان را اشغال کرد. و تا حوالی نه و نیم شب میدان را با برپایی شعر و سرود و رقص و پایکوبی در اختیار داشتند که با حمله ی سازمان یافته ی نیروهای سرکوبگر مواجه شدند. با این وجود مردم عقب ننشسته و با شعار های "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر خامنه ای" و ترقه و فشفشه پاسخ حمله سرکوبگران را دادند. تا حوالی ساعت ۱۱ شب شعار دادن و درگیری و درگیری میان مردم و مرتجعان ادامه داشت. زیبا ترین صحنه ای که با آن مواجهه شدم فریاد جوانانی بود که میگفتند عقب نشینید این جنگ مردم و حکومت است، متأسفانه تعداد زیادی هم دستگیر شدند که آمار دقیقی از دستگیر شدگان ندارم!

مشهد:

جمعیت در خیابان های شهر موج میزد. جوانان آتش روشن میکردند. موزیک پخش میکردند و دختر و پسر شادی میکردند. وقتی نیروهای انتظامی نزدیک میشدند با پرتاب فشفشه و ترقه آنها را دور میکردند. محلات رضا شهر و هاشیمه و طرهبه خیلی شلوغ بود. در درگیری با نیروهای سرکوبگر تعدادی از جوانان دستگیر شدند. جوانان شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای میدادند. نیروی انتظامی هم دیوانه وار با باتوم حمله میکرد. ماشین ها بوق میزدند و چراغها را روشن کرده بودند. نیروهای انتظامی هر جا توانستند پلاک ماشینها را میکنند تا بعداً آنها را شناسایی کنند. اعتراض و شعار دادن در خیابانهای متعددی ادامه داشت.

آمل: جمعیت زیادی بیرون آمده بود. گارد ویژه با کلاه خود و هیبت زیاد بیرونی آمده بودند که مردم را به وحشت بیندازند. اما جوانها کار

خودشان را میکردند. فشفشه ها را مقابل پای آنان پرتاب میکردند. و اعتنایی به وجودشان نداشتند. خیابانها خیلی شلوغ بود.

سنندج:

مردم سنندج ماموران رژیم را در شب چهارشنبه سوری گوشمالی دادند. بسا به اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری بعد از ظهر سه شنبه به مناسبت شب چهارشنبه سوری مردم و بویژه جوانان سنندج وسیعاً به خیابان ها ریختند و علیرغم حضور سنگین نیروهای رژیم کنترل برخی محلات را بدست گرفتند، آتش روشن کردند و شادی کردند. ماموران سرکوب رژیم امروز برای جلوگیری از مراسم چهارشنبه سوری، فضای شهر را پلیسی کردند و در نقاط مختلف شهر مستقر شدند. علیرغم این از ساعت پنج عصر تا ساعت هشت و نیم شب، مردم و جوانان خیابانها را در کنترل خود گرفتند و به سوی ماموران رژیم نارنجکهای دستی پرتاب کردند. در کمربندی ۲۵ شهروید تعداد جوانان و مردم بسیار زیاد بود. به همان میزان نیز حضور گاردهای ویژه هم زیاد بود. هنگام رژه موتورسواران گارد ویژه، جوانان با نارنجکهای دستی به آنها حمله کردند و درگیری شروع شد. جوانان با نارنجک، ترقه، چوب و سنگ مقابل ماموران ایستادند و ماموران با طوم به مردم حمله میکردند. در چند محله ماموران توسط جوانان محلات حسابی گوشمالی داده شدند. مردم و جوانان با سنگ، چوب، آجر و ترقه و نارنجک های دستی نیروهای تا دندان مسلح رژیم را بارها به عقب رانده و بیست بار حمله وحشیانه آنها را شکست دادند و تعدادی از ماموران را زخمی و شیشه های چند ماشین آنها را شکستند. خیابانهای شهر سنندج برای چندین ساعت در دست مردم بود و نیروهای رژیم قادر به کنترل آنها نبودند. در درگیری های امروز چند نفر از جوانان توسط سرکوبگران دستگیر شدند که در حال حاضر خبری از تعداد دقیق و محل نگهداری آنها در دست نیست.*



عکس هایی از چهارشنبه سوری امسال در تهران ، کرمانشاه، مشهد، سنج و ...



چهارشنبه سوری با شعار مرگ بر دیکتاتور گفتگو با کیان آذر دبیر سازمان جوانان کمونیست

انترناسیونال: کیان آذر چهارشنبه سوری امسال در شهرهای مختلفی درگیری و تظاهرات بود و شعارهای زیادی علیه حکومت داده شد. اگر ممکن است اول یک مقدراری در مورد آنچه در چهارشنبه سوری گذشت توضیح دهید و اینکه ارزیابی شما در این مورد چیست؟

کیان آذر: صحبت‌م را می‌خواهم به این صورت آغاز کنم که مردم ایران سال ۹۰ را با پیام مجددی که برای جمهوری ارسال کردند به پایان می‌رسانند و به نوعی مهر خودشان را به پایان سال ۹۰ زدند. و آن پیام بسیار روشن است. جمهوری اسلامی زنده و انگل مرگبار است برای جامعه ایران که هیچ سنخیتی از نظر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با مردم ایران ندارد و مردم بار دیگر به این حکومت اعلام کردند که کارنامه تمامشان را تمام خواهند کرد و حکومت اسلامی را سرنگون می‌کنند. و نشان دادند که نه تنها از خواسته هایشان کوتاه نیامده اند بلکه مصمم تر از قبل هستند. چهارشنبه سوری امسال تقابل مردمی بود که می‌خواهند در شادی و رفاه و مثل انسان قرن ۲۱ زندگی کنند و با قوانین و ذات حکومت اسلامی که حجاب و استثمار است و نابرابری و توهین به زن و کودک و جوان و در یک کلمه انسان است، تضادی بنیادی دارند. از سالهای ابتدایی روی کار آمدن جمهوری اسلامی چهارشنبه سوری تبدیل به مناسبتی شد که مردم بر علیه حکومت غم و عزا بیایند و شادی کنند. به خیابانها بیایند و صف جداسازی جنسیتی رایشکنند و حجابهای اجباریشان را پرت کنند. اما بعد از انقلاب سال ۸۸ ما شاهد سیاسی تر شدن این مناسبت شده ایم و همانطور که در ۲ سال گذشته شاهد بودیم که شعارهای "مرگ بر خامنه ای" و "مرگ بر دیکتاتور" در شهرهای ایران فریاد زده میشود، امسال هم به همین صورت بود و این ۲ شعار

در صدر اخبار مربوط به این مناسبت است. بعلاوه درگیریهای وسیع بین مردم و نیروهای سرکوب. در این مناسبت جوانان اعم از زنان و مردان جوان در صف مقدم بودند و سران حکومت را، از مجتهدین کپکزده اش که در مقابل با مردم فتوا میدهند، تا خود خامنه ای که سرکرده این اوباش است تا نیروی سرکوبش را به مصاف طلبیدند و یک نه محکم به جمهوری اسلامی گفتند و پرونده سال ۹۰ را برای این حکومت بستند. جنبش خلاصی فرهنگی و خلاصی از نظام استثمار و استبداد گوشه ای از قدرت و زنده بودنش را نشان داد، با کنترل محلات و شهرها و هیچکاره بودن جمهوری اسلامی، قدرت خودش را به رخ کشید.

انترناسیونال: همانطور که اشاره کردید جوانان نیروی اصلی این حرکت بودند که در واقع یک حرکت در ادامه کل جنبش و حرکتهای سرنگونی طلبی مردم بود. فکر میکنید چگونه این فضا میتواند ادامه پیدا کند و گسترش یابد.

کیان آذر: بنظر من جنبش سرنگونی نسبت به قبل رادیکالتر، عمیق تر و وسیعتر شده و این جنبش بدنبال کانالها و مکانیزهایی برای حمله مجدد به جمهوری اسلامیست. و این تصویری که ما در چهارشنبه سوری دیدیم روزنه ای بود که به ما فضای درونی جامعه ایران را نشان میدهد. ما باید اتفاقات این مناسبت را کنار اعتراض و اعتصابات کارگران و معلمان قرار دهیم، کنار اعتراضات دانشجویان قرار دهیم. جمهوری اسلامی سعی کرده با افزایش فشارهای سیاسی و اجتماعی نفس فعالین سیاسی و مردم معترض را بگیرد. از آنطرف وضعیت وحشتناک اقتصادی که مردم هیچگونه امنیتی ندارند و شیرازه زندگی مردم در حال از هم پاشیده شدن است و مردم با چنگ و دندان از زندگیشان

در دفاع میکنند. ما باید همه این شرایط را کنار هم بگذاریم تا بتوانیم جواب واقعی به سوالتان بدهیم. سال ۹۱ بطور منطقی از طرف جمهوری اسلامی ادامه سال نود و سالهای قبلی خواهد بود. اما از طرف مردم و زحمتکش، از طرف جوانان و دانشجویان به شکل دیگری خواهد بود و آنهم پایان دادن به این کابوس سی ساله. مردم در بطن جامعه دارند خودشان را سازمان میدهند. دارند خودشان را متشکل میکنند. بنظر من باید حول مناسبتهای شناخته شده و نیز روزهایی که هم بر ما مشخص نیست از هر فرصتی برای اعتراض استفاده کرد. باید دانشگاه ها، کارخانجات، مدارس، و کلا خیابانها و سطح شهرها را "اشغال" کرد باید با حضور توده ای بخشهای مختلف مردم، فضای جامعه را به فاز اعتراضات روزانه برد و این مسئله احتیاج به کلید خوردن دارد که از یک بخش جامعه و حول یک مسئله احتمالا شروع میشود. محورهایی که بنظم میتواند در براه افتادن اعتراضات روزانه تعیین کننده باشد اوضاع اقتصادی فجیعی ست که روز به روز بدتر هم میشود. محور بعدی میتواند زندانیان سیاسی باشد. محور بعدی که میتوانم به آن اشاره کنم دانشگاه ها و محلات است که جوانان میتوانند نقش موثری در رویارویی با نیروی سرکوب حکومت داشته باشند. باید دانشگاه ها و محلات را به "اشغال" خود در آوریم. بهر حال می‌خواهم به این اشاره کنم باید از این کانالها و محورها که به بخشی از آن اشاره کردم مجددا وارد اعتراضات توده ای روزانه و فاز انقلابی علیه حکومت شویم که نتیجه آن به گور سپردن این حکومت قرون وسطایی شود.

انترناسیونال: با تشکر از شما *

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سرمدیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!